ماشاء اللہ ولا قوۃ الا باللہ

بفضل ایزد او زبان تمنی سوانح از قبور روز نشور از تصنیفات حضرت قاضی ثناء اللہ پانی پتی بشرح کتاب موسوم [illegible]

تذکرۃ الموتیٰ

باہتمام مجمع المغفرت محمد عبد الرحمن ابن حاجی محمد روشن خان مغفور و تربیت یافتہ خدمت سراپا برکت منظم محمد مصطفی خان صاحب

در مطبع نظامی واقع شہر کانپور مطبوع گردید

بسم الله الرحمن الرحیم

سُبحان الله وبحمده زهی صانعی که از خاک و نطفه انسان را بوجود آورده لم یکن شیئاً مذکوراً و مظهر جلال و جمال خود و متصف بصفات کمال ساخته جعله سمیعاً بصیراً و با این همه ضعف و ناتوانی و جهل و نادانی بار امانت را که زمین و آسمان تاب تحمل آن نیاوردند متحمل ساخته وکان ذٰلک علی الله یسیراً و هر یک را بخود راهنمونی فرموده اما شاکراً و اما کفوراً و برای شاکران نعمت و مؤدیان امانت جنات النعیم مرتب ساخته واذا رأیت ثمّ رأیت نعیماً وملکاً کبیراً و برای کافران که از نعیم مقیم و رب کریم روگردانی کردند عذاب الیم مقرر ساخته سلاسلاً واغلالاً وسعیراً و از کمال رأفت انبیا و رسل فرستاده مبشراً ونذیراً و تکمیل دین متین و تتمیم نعمت عظیم فرموده ببعثة خاتم النبیین سید المرسلین محمد صلی الله علیه وسلم داعیاً الی الله باذنه وسراجاً منیراً اللّٰهم صلّ وسلّم وبارک علیه وعلی جمیع الانبیاء والمرسلین وعلی الملٰئکة المقربین وعلی آله واتباعه واصحابه واحبابه الذین یوفون بالنذر ویخافون یوماً کان شرّه مستطیراً بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمد ثناء الله عثمانی مجددی می نگارد که خوف و طمع از جناب الٰهی جالب جمیع خیرات و حاجز از جمیع مکاره و سیآت است و اطلاع بر احوال قیامت مثمر این کمالات لهذا این فقیر چند ورق درین باب بزبان فارسی بانتخاب و اقتباس از بدور السافره تصنیف امام همام علامه شیخ جلال الدین بن شیخ کمال الدین

ابی بکر السیوطی رحمة الله علیه مینویسید تا عامه مؤمنین از ان متمتع شوند و ابن عاصی ابدعای حسن خاتمه و مغفرت ذنوب
امداد و اعانت فرمایند والله المستعان وعلیه التکلان ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

باب اول در علامات قیامت که پیش از وقوع آن بظهور آید

نوع اول در علامات صغری در صحیحین از انس بن مالک روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
علامت قیامت آنست که علم برداشته شود و جهل زیاده شود و زنا و شرب خمر بسیار باشد و زنان
بسیار پیدا شوند و مردان کم تا آنکه بر بیست زن یک قیم باشد و در صحیحین از عبد الله بن عمرو از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که علم از سینها محو خواهد شد لیکن علما بمیرند و سرداران جاهل باشند
بی علم حکم کنند گمراه شوند و گمراه کنند و احمد وغیره از زیاد بن لبید روایت کرده که گفتم یا رسول الله علم چگونه نباشد
ما قرآن میخوانیم و پسران خود را می آموزیم و آنها پسران خود را آموزند همچنان تا روز قیامت باشد آنحضرت فرمود
من ترا دانا می دانستم نمی بینی یهود و نصاری توریت و انجیل میخوانند و بران عمل نمیکنند و مسلم از جابر از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دروغگویان بسیار باشند بخاری از ابی هریره از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم آورده که کارها سپرده شوند کسان را که اهل آن نباشند و مسلم از ابی هریره از آنحضرت آورده که مردم
از کثرت بلا آرزوی موت کنند و ترمذی از ابی هریره آورده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده وقتیکه
مال غنیمت را سرداران دولت خود دانند و مردم امانت را غنیمت شمارند و زکوة را تاوان دانند و علم را
برای دنیا آموزند و مرد فرمان برداری زن و نافرمانی مادر کنند و یار را نزدیک و پدر را بعید کنند و در مساجد
آوازها بلند کنند و فاسقان رئیس قوم باشند و اراذل ضامن قوم باشند و از خوف بدی مردان گرامی
کرده شوند و مطربها و معازف علانیه کرده شوند و خمر خورده شود و آخر امت اول امت را لعن کنند پس
منتظر باشند در ان وقت باد تند را که سرخ رنگ باشد و زلزله و خسف و مسخ و قذف و دیگر علامات قیامت
پی به پی آیند چنانچه رشته گسسته شود و دانها که دران منتظم باشند فرو ریزند و ترمذی از
علی رضی الله عنه این حدیث روایت کرده کم زیاده ازین و دران پوشیدن حریر هم گفته

فصل در ذکر محمد مهدی رضی الله عنه ترمذی و ابو داود از ابن مسعود از آنحضرت صلی الله علیه و سلم
روایت کرده نخواهد رفت دنیا تا که مالک شود عرب را مردی از اهل بیت من که نام او نام من باشد
و نام پدرش نام پدر من زمین را از عدل پر کند یعنی از جور پر شده بود و ابو داود از علی رضی الله عنه
روایت کرده که بسوی حسن رضی الله عنه دید و گفت که این پسر من سید ست چنانچه رسول فرمود
صلی الله علیه و سلم از صلب او مردی پیدا شود که نام او نام نبی شما باشد مشابه باشد آنحضرت را در خلق
نه در خلق ابو داود از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله علیه و سلم آورده در صفت مهدی کشاده پیشانی
بلند و باریک بینی و ابو داود از ام سلمه از آنحضرت صلی الله علیه و سلم روایت کرده که بادشاهی میرد
آن زمان مردی از اهل مدینه برآید و بسوی مکه گریخته رود و او را مردم برای خلافت برآرند و او کاره باشد
و در میان رکن و مقام با وی بیعت کنند پس لشکری از طرف شام بر وی فرستاده شود پس آن لشکر
در میان مکه و مدینه در زمین فرو رود و ابدال از شام و عصائب از عراق آمده با وی بیعت کنند
پس مردی از قریش برآید که اخوال او از بنی کلب باشند مهدی و بر وی لشکر فرستد و بر وی غالب شوند
و مهدی بر سنت پیغمبر صلی الله علیه و سلم عمل کند و اسلام در وقت او آرام بگیرد هفت سال بادشاهی
کند پس بمیرد و مسلمانان بر وی نماز خوانند و در روایت مرفوعه از ابی سعید خدری نزد حاکم وارد شده
زمین را از عدل پر کند و اهل آسمان و زمین از وی راضی باشند آسمان در باریدن و زمین در رویانیدن
کمی نکند مردم آرزو کنند و گویند درین وقت اگر مردگان هم زنده بودندی خوش آسایش کردندی و در حدیث
در صحیحین ست که در آخر زمان خلیفه باشد که مال را بی شمار قسمت کند و از ابی هریره روایت کرده از آنحضرت
صلی الله علیه و سلم که قیامت قائم نشود تا که مال بسیار شود بحدیکه مرد زکوة برارد و نیابد کسی را که قبول زکوة کند
نوع دوم در علامات کبری مسلم از عبد الله بن عمر آورده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم اول آیات
طلوع آفتاب از جانب مغرب باشد یا خروج دابة الارض وقت چاشت هر یکی که از ینها باشد دوم
قریب آن ظاهر شود قال الله تعالی وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً
مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝

جمع خال یعنی برادر مادر ۱۲

یعنی بسبب کثرت مال ۱۲

یعنی کسی فقیر نباشد

---

۱ قوله در خلق نه در خلق یعنی در سیرت باطنی مشابه نشود و در صورت ظاهری یعنی بعضه وجوه فاما بعضی جهات پس مشابهت در صورت هم آمده است کذا فی شرح المشکوة ۱۲

۲ ای در میان حجر اسود و مقام ابراهیم ۱۲

۳ ابدال گروهی از بندگان ...

[illegible]

یعنی وقتیکه واقع شود حکم خدا بر مردم بقیام قیامت یعنی قیامت نزدیک رسد خارج کنیم برای
مردم دابة الارض که سخن گوید با مردم آنکه مردم بآیات ما یقین نمیداشتند و در قرائت غیر متواتر تکلمهم
بفتح تا و سکون کاف و تخفیف لام آمده یعنی زخمی کند مردم را برای آنکه بآیات خدا یقین نداشتند
ابن عباس گفته که هر دو باشد با مسلمانان کلام کند و کافران را زخم رساند در روایات احادیث
اختلاف است در بعضی روایات آمده که روی او مثل روی انسان باشد صاحب لحیه و سائر بدن او
مثل پرنده باشد و در اکثر روایات آمده که چهارپایه باشد و در مکه از کوه صفا برآید ابن عباس در حج بر
کوه صفا عصا کوفت و گفت که دابة الارض آواز این کوفت می شنود و بسیار عظیم الجثه باشد
ای کلان جسم ۱۲
عبد الله بن عمر گفته که سر او بابر رسد و پای او هنوز در زمین باشد و بغوی از ابی شریح انصاری از
آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که دابة الارض سه بار خارج شود اول در یمن ذکر او در صحرا باشد
و در مکه ذکر او نرسد باز در صحرا قریب مکه برآید و ذکر او در مکه رسد سوم بار در مکه برآید سر خود را از خاک افشانده
و بر مردم گذرد بسرعتی که کسی از وی گریختن نتواند و سخن گوید مسلمان را یا مومن و کافر را گوید یا کافر و در روایتی
آمده که با وی عصای موسی و خاتم سلیمان باشد از عصای موسی بپیشانی مومن نکته سفید نهد و لفظ مومن
نوشته شود و تمام روی او روشن شود و مثل کوکب درخشان و کافر را نکته سیاه بخاتم سلیمان بر پیشانی
کند کافر نوشته شود و روی او سیاه شود و بعد از آن مردم بشناسند و در بازار گویند ای مومن [illegible]
سیهی و در بعضی روایات آمده که خروج دابة الارض بحضور عیسی علیه السلام باشد عیسی و مسلمانان در طواف باشند
که زمین بلرزد و صفا شگافته شود و دابه برآید لیکن در صحیح مسلم آنست که اول آیات طلوع شمس از مغرب
و خروج دابه است چنانچه گذشت جلال الدین سیوطی گفته که بعد دابة الارض امر معروف و نهی منکر باقی نماند
و هیچ کافر بعد از آن ایمان نیارد و ترمذی از ابی سعید خدری روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم
فرموده قسم بکسی که جان من بدست اوست قیامت قائم نشود تا که سباع با آدمیان سخن گویند و گفته
تازیانه و شراک نعل کلام کند و ران مرد خبر دهد بچیزی که زن او بعد او کرده باشد و مسلم از حذیفه بن
اسید غفاری از رسول صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قائم نشود قیامت تا که ده چیز پیش از این نا

بظهور آیند دخان و دجال و دابة الارض و طلوع آفتاب از مغرب و نزول عیسی علیه السلام و یاجوج و ماجوج
و سه خسف یکی در مشرق دوم در مغرب سوم در جزیرهٔ عرب و آخر همه آتشی از زمین آید که مردم را بسوی محشر برد
یعنی زمین شام و در روایتی و هم بادی تند وزد که مردم را در دریا افگند و مسلم از ابی ذر از آنحضرت صلی الله
علیه و سلم روایت کرده که طلوع آفتاب از مغرب و دجال و دابة الارض هرگاه ظاهر شود بعد از آن ایمان کافر
و توبه مقبول نباشد و بغوی و غیره از حذیفه روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که علامات
قیامت اول دخان است و نزول عیسی علیه السلام و خروج آتشی از غار عدن که مردم را بسوی محشر برد
حذیفه گفت یا رسول الله دخان چیست آنحضرت این آیه خواند فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي
السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ فرمود دخان از مشرق
تا مغرب در گیرد و چهل شبانروز باشد مسلمانان را مانند زکام رسد و کافران را حالت مستی
روی دهد از بینی و گوش و دبر دخان برآید و ابن مسعود از همین معنی انکار کرده در صحیح بخاری است که ابن مسعود
گفت که چون قریش از آنحضرت کمال بدی کردند آن حضرت دعا کرد و قحط بحدی شد که مردم استخوان خوردند
و از شدت گرسنگی آنها را از زمین تا آسمان دخان بنظر می آمد لیکن بروایت حذیفه و غیره معلوم میشود که
دخان هم از علامات قیامت باشد و به قال ابن عباس و ابن عمر و حسن بصری
فصل قصهٔ دجال از رسول صلی الله علیه و سلم در صحیحین و غیره آمده که چشم راست او کور باشد و در
بعضی روایات چشم چپ و در میان هر دو چشم او کافر رقوم باشد هر کس از مسلمانان خواند کاتب
باشد یا نباشد جوان باشد ژولیده موی از میان عراق و شام بیرون آید هفتاد هزار کس از یهود
اصفهان با وی باشند هر سو فساد کند چهل روز باشد یکروز برابر سال روز دوم برابر ماه و روز سوم
برابر هفته دیگر ایام مانند سائر ایام مردم پرسیدند یا رسول الله در آن روز که برابر سال باشد ما را نماز پنجگانه
کفایت کند فرمود نه اندازه کرده بخوانده باشید مثل باد تند در زمین سیر کند بر جماعتی آید که من
پروردگار شما ام با من ایمان آرید آنها ایمان آرند پس آسمان را گوید باران ببار و زمین را گوید پس
زراعت پیدا شود و مواشی آنجماعه فربه و شیر دار شود و بر قومی دیگر بگذرد و آنها را همچنان گوید

یعنی منتشر باشد روزی ... بیاره و آسمان دود ظاهر گردد ... و مردمان را این عذاب ۱۲

و همین قائل است عبد الله بن عباس و عبد الله بن عمر و حسن بصری رضی الله تعالی عنهم اجمعین ۱۲

یعنی بر زمین چهل روز ماند ۱۲

آنها سخن او را رد کنند پس مالهای شان هلاک شود و بر زمین خرابه بگذرد و بگوید که خزانهای خود بیرون آر
خزانهای زمین پیشروی او کنند مردی مسلمان پیش او آید پیشروان او گویند کجا میروی گوید بسوی
این شخص که برآمده است آنها گویند که تو با پروردگار ما ایمان نداری گوید پروردگار ما پوشیده نیست
گویند این را بکشید پس بعضی بعضی را گویند که پروردگار شما منع کرده است که بدون حضور من کسی را
نکشید پس او را حضور او برند چون مرد مومن او را ببیند گوید این دجال است که رسول صلی الله علیه وسلم
ازان خبر داده بود پس دجال گوید این را بگیرید و بزنید او را بگیرند و بزنند و بگوید که ایمان من آر او گوید
که تو مسیح دجال هستی آن زمان امر کند که او را از سر تا قدم از اره دو پاره کنند و خود از میان هر دو قطعه
بگذرد پس باز او را بگوید که برخیز او زنده شود و برخیزد پس گوید که حالا ایمان من می آری مومن گوید که حالا
زیاده تر ترا دانستم که تو دجال هستی مومن گوید که ای مردمان حالا اینچنین با کسی نخواهد کرد پس باز او را دجال
بگیرد و خواهد که ذبح کند حق تعالی گردن او از مس گرداند کارد کار نکند پس دست و پایش گرفته بر تابد مردم
دانند که بسوی آتش بر تافته است و او بسوی جنت انداخته شود رسول الله صلی الله علیه وسلم
فرمود که آن کس بزرگتر باشد در شهادت نزد خدا و با دجال صورت جنت و نار باشد چیزی را که مردم جنت
دانند جهنم است و چیزی را که جهنم دانند جنت است و در روایتی از روایات مذکوره در صحیح مسلم آمده
که دجال شخصی را طلب کند که جوانی در دی کامل باشد او را شمشیر زند و دو قطعه کند پس باز او را بخواند
و او برخاسته بیاید آن زمان بخندد و خوش شود و در همان حال عیسی علیه السلام هر دو دست به
بازوهای دو فرشته نهاده بر مناره سفید شرقی دمشق فرود آید در حالیکه چون سر فرو کند قطرها
از سرش افتد و چون سر بالا کند ازان مثل دانهای مروارید فرو ریزد کافر اگر بسوی او رسد بمیرد و
دمش رسد جائیکه نظر او رسد پس در پی دجال شود و او را نزد باب لد که دهیست نزدیک بیت المقدس
دریابد و او را بکشد پس مسلمانان که از دجال محفوظ مانده بودند با عیسی جمع شوند و عیسی بر انها
شفقت فرماید و بدرجات بهشت بشارت دهد پس ناگاه حق تعالی بسوی عیسی وحی کند که برآوردم
از بندگان خود بندگانی که کسی قدرت جنگ با آنها ندارد نگاهدار بندگان مرا بسوی طور پس حق تعالی

یاجوج و ماجوج را فرستد که از هر بلندی به پستی می آیند پس پیشروان آنها بر دریای طبریه بگذرند تمام آب آنرا بنوشند چون پس آیندگان آنها آنجا بگذرند بگویند که اینجا گاهی آب باشد پس سیر کنند آنها تا که رسند بجبل خمر که کوهی ست نزد بیت المقدس پس بگویند که اهل زمین را کشتیم باشد که اهل آسمان را بکشیم پس تیر بسوی آسمان اندازند حق سبحانه تعالی تیرهای شان را پرخون بازگرداند و نبی الله عیسی علیه السلام و یاران او محصور باشند تا آنکه کله گاو نزد آنها بهتر باشد از صد دینار نزد شما پس روی آرند نبی الله و یاران او بدعا بسوی خدا پس حق تعالی کرمی در گردنهای آنها پیدا کند پس همه آنها بمیرند پس عیسی و یاران او از طور بسوی زمین فرود آیند و یک وجب زمین از مردار و بدبوی یاجوج و ماجوج خالی نیابند باز عیسی و یاران او بجناب الهی دعا کنند حق تعالی جانوران را بفرستد که گردنهای آنها مثل شتران بختی باشد آنها را برداشته جائیکه خدا خواهد بیندازند و کمانهای و تیرهای و ترکشهای شان آنقدر باقی ماند که تا هفت سال مسلمانان بسوخته باشند پس حق تعالی باران بفرستد که هیچ خانه از خشت یا پارچه و پشم پناه از آن باران نتواند کرد پس تمام زمین را بشوید تا که صاف شود مثل آئینه پس بفرماید حق تعالی زمین را که ثمرها رویاند و برکت باز دهد پس دران روز یک انار آنقدر باشد که جماعتی بخورد و از پوست آن سایه کنند و در مواشی آنقدر برکت شود که یک شتر ماده شیردار کفایت کند جماعات کثیره را و گاو ماده شیردار یک قبیله کلان را و بز ماده شیردار کفایت کند قبیله خورد را همچنین باشند تا آنکه حق تعالی باد پاکیزه بفرستد و مردم را از زیر بغلها بگیرد از آن باد همه مسلمانان بمیرند و کفار باقی مانند باهم اختلاط کنند مثل خران بر آنها قیامت قائم شود و در صحیحین آمده که دجال از مشرق بقصد مدینه آید و پس کوه احد فرود آید حق تعالی او را از دخول مدینه محروم داشته ملائکه روی او را بسوی شام گردانند و آنجا هلاک شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هر که ده آیات اول سوره کهف بخواند از شر او ایمن باشد و بیهقی از ابی هریره روایت کرده که دجال بر خر باشد میان دو گوش آن خر هفتاد باع فاصله باشد باع مقدار قد آدم ست و در صحیح مسلم قصه تمیم داری ست از آن معلوم می شود که دجال موجود ست محبوس ست

در جزیرهٔ دریای شام یا دریای یمن و دخول مکه و مدینه دجال را میسر نه شود و
فصل در صحیحین از ابی هریره مروی ست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که قریب ست که فرود
آید عیسی بن مریم حاکم عادل بشکند صلیب را که نصاری آنرا می پرستند و بکشد خوکان را یعنی
حرام کند خوردن آن موافق شرع محمدی و جزیه نهد بر نصاری و غیره کفار ازینجا معلوم میشود که
نصاری بر کفر خود باشند و بعیسی گرویده نشوند و مال بسیار تقسیم کند تا آنکه کسی قبول نکند و
یک سجده نزد مردم بهتر باشد از دنیا و ما فیها و مسلم زیاده کرده که شتر ماده جوان را گذاشته شود
کسی بر وی سعی نکند و عداوت و بغض و حسد در مردم نماند و مردم را برای گرفتن مال طلبیده شود
کسی قبول نکند و نیز مسلم از جابر روایت کرده که چون عیسی نازل شود امیر آن وقت بگوید که شما
امامت کنید و نماز گذارید بگوید بعضی شما بر بعضی امیر باشد برای اکرام این امت و ابن جوزی از
عبدالله بن عمر روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که عیسی نازل شود و نکاح کند
و اولاد او پیدا شود و چهل و پنج سال باشد پس بمیرد و با من در قبر من دفن کرده شود و روز
قیامت من و عیسی برخیزیم درمیان ابی بکر و عمر لیکن در صحیح مسلم از عبدالله بن عمرو از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم مرویست که عیسی هفت سال باشد و تطبیق این حدیث با حدیث سابق آنست
که بودن عیسی در زمین چهل و پنج سال ست از انجمله سی و هشت سال پیش از رفتن بسوی آسمان و هفت سال بعد نزول
فصل از ابی هریره در صحیحین مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که پیش از قیامت فرات
گنجی بیرون دهد از زر پس کسی که آنجا حاضر باشد باید که نگیرد از ان و در روایتی در صحیح مسلم از ابی هریره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمده که فرات کوهی از زر بیرون دهد مردم بروی جنگ کنند تا آنکه
از صد کس نود و نه کشته شوند و هر کس گوید شاید من باشم که نجات یابم و نیز مسلم از ابی هریره از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که قی کند زمین جگر گوشهای خود را مانند ستونها از زر و نقره پس قاتل
حسرت کند و بگوید که برای این مال قتل کرده بودم و کسی که قطع رحم کرده بگوید که برای این مال قطع رحم
کرده بودم و دزد بگوید که برای این مال دست من قطع کرده شده پس طلبیده شوند مردم تا که بگیرند و کسی آنرا

نگیرد این هرد و حدیث بر ازمنهٔ مختلفه حمل کرده شود شاید که در ابتدا برای گرفتن مال قتال کنند و آخر کار کسی
قبول نکند والله اعلم وسلم از عبد الله بن مسعود و انس وغیرهما روایت کرده که قیامت نخواهد شد
مگر بر بدترین خلق کسی در زمین الله الله نگوید بعد وفات عیسیٰ علیه السلام مسلمانان از بادی لطیف بمیرند و مردم معروف
و منکر را نشناسند و شیطان متمثل شود و به بت پرستی دلالت کند و لات و عزیٰ و ذوالخلصه را پرستند
آن زمان نفخ صور شود و هر که بشنود کج کند گردن را پس بمیرند والله اعلم نفخهٔ اول ست که از آن بمیرند و در
حدیثی آمده که نفخهٔ اول نفخهٔ فزع ست که از آن نفخه اهل آسمان و زمین در فزع و دهشت آیند از آن نفخه کوهها
بپرند و مثل ریگ شده بریزند و زمین در لرزش آید چنانچه کشتی در دریا میلرزد و مردم از لرزش زمین
مضطرب شوند و زمین خزائن و مردگان را که در زمین باشند بیرون افگند و زنان باردار اسقاط حمل
کنند و بچگان و جوانان پیر و ضعیف شوند و شیاطین از هول بگریزند بسوی اقطار زمین پس ملائکه
روهای شان را بزنند و باز گردانند و مردم بگریزند و بعضی بعضی را ندا کنند آن زمان زمین بشگافد و آسمان
مانند وردهٔ[1] شود و پس بشگافد و ستارگان بریزند و شمس و قمر بی نور شوند اینهمه عذاب بر شرار
خلق باشد و مردگان را ازین خبر نباشد بدین حال چندی باشند پستر حکم شود اسرافیل را که باز در
صور بدمد و ازان دم همه بمیرند از انس و جن و شیاطین بعده ملائکه بمیرند تا که باقی نماند مگر جبرئیل و میکائیل
و اسرافیل و عزرائیل و حملهٔ عرش پستر حکم شود جبرئیل و میکائیل بمیرند پستر حاملان عرش بمیرند
و عرش را حکم شود صور را از اسرافیل بگیرد و اسرافیل بمیرد حق تعالی بفرماید
لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ[2] کسی جواب دهنده نباشد خود بگوید لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ[3]

باب دوم در احوال روز بعث و نشور که پنجاه هزار ساله باشد تا دخول جنت و نار

بعد نفخهٔ ثانیه یا اولی علی اختلاف الروایتین چون چهل سال بگذرند باران از عرش فرو ریزد بر زمین تا چهل روز
تا که آب بالای زمین دوازده گز شود و ازان آب حق تعالی اجساد مردگان را برویاند چنانچه سبزه
از زمین میروید چون جسدهای آدمیان کامل شود چنانچه بودند حق تعالی زمینی دیگر از نقره پیدا کند و

[1] ورده ای معنی درد شراب و روغن فی القرآن فکانت وردة کالدهان یعنی آسمان در آن روز سرخ رنگ گردد مثل درد روغن وغیره

[2] برای کیست پادشاهی امروز

[3] برای خدای یگانهٔ غالب

آسمانی دیگر از زر پیدا کند و مردگان را از زمین آن زمین اندازد و بر پشت زمین و در شکم زمین پستر
حق تعالی اول حاملان عرش را زنده کند پستر حق تعالی اسرافیل را زنده کند او صور از عرش بگیرد و
بر لب نهد پستر جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان را زنده کند ارواح را طلب فرماید ارواح مومنان
بنور ایمان تابان و درخشان و ارواح کافران بظلمت کفر و معاصی سیاه همه را حق تعالی در صور اندازد
پس بحکم خدا اسرافیل صور بدمد ارواح باین نفخه که دوم باشد یا سوم مانند نحل از صور برایند و بحکم الهی
هر یک روح در جسد خود داخل شود از راه بینی و زمین بشگافد و مردگان از زمین برایند رسول فرمود صلی الله
علیه و سلم اول کسی که از زمین برآید من باشم پستر همه مومنان از قبور برایند مومنان وقت برخاستن گویند
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَکُوْرٌ و کافران وقت برخاستن
گویند یَا وَیْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَّرْقَدِنَا هٰذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُوْنَ
هر جماعتی برانگیخته شود با اهل عمل خود صالحان با صالحان و فاسقان با فاسقان و کافران با کافران رسول
فرمود صلی الله علیه و سلم مبعوث کرده شوم من روز قیامت در میان ابوبکر و عمر پس برایم بسوی
بقیع پس مردم بقیع با من جمع شوند پستر بیایند بسوی من اهل مکه و مدینه و هر کس حشر کرده شود در عملی که
(نام مقبره مدینه شریفه)
بران مرده باشد شهیدان چون مبعوث شوند از زخمهای شان خون براید که در رنگ مثل خون و بوی مانند
مشک باشد و هر که در حج مرده تلبیه گویان برخیزد و هر که در شراب خواری مرده در مستی برخیزد و همچنین صاحب
هر عمل نیک یا بد در صحیحین آمده که همه کسان برهنه غیر مختون برخیزند اول کسی که پوشانیده شود ابراهیم
علیه السلام باشد که دو پارچه سفید نفیس از بهشت پوشانیده شود پستر رسول کریم صلی الله علیه و
سلم به بهتر ازان پستر دیگر رسل و انبیا پستر پوشانیده شوند مومنان و در بعضی احادیث آمده که مردگان
در همان پارچه که مدفون شده اند برانگیخته شوند و بعضی گویند که آن شهیدان باشند که در پارچه های خود
مدفون شده بودند و شاید که همه مردگان در پارچه خود مبعوث شوند پستر آن پارچه دور شود و برهنه
گردند پستر هر یک موافق عمل او پوشانیده شود و بعضی گویند مراد از پارچه اعمال صالحه است حق تعالی
میفرماید وَلِبَاسُ التَّقْوٰی ذٰلِکَ خَیْرٌ پستر رسول صلی الله علیه و سلم بر براق سوار شود

وحسنین بر ناقه رسول کریم سوار شوند پس متقیان را بر ناقهای بهشت با زینهای طلا و مهارهای مروارید
سوار کرده بمحشر برده شوند و فاسقان را پیاده پا برند و کافران را بر رویهای شان کشیده برند و در
حدیث آمده که هرگاه مردم از قبور بر آیند عمل او بر صورت انسانی با وی ملاقات کند عمل مسلمان در
نیکترین صورت و خوشترین بو بود بگوید مومن را که مرا می شناسی گوید نمی شناسم مگر آنکه حق تعالی چه
خوش داده است ترا صورت و بو بگوید که همچنین بودی تو در دنیا من عمل صالح توام در دنیا بسیار
بر پشت تو سواری کردهام حالا تو بر من سوار شو قوله تعالی يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَٰنِ وَفْدًا
کنایه ازان است و عمل کافر بد ترین صورت و بد ترین بو با وی ملاقات کند و بگوید که مرا می شناسی
گوید نمی شناسم لیکن چه بد کرده است حق تعالی صورت تو و بوی تو بگوید همچنین بودی تو در دنیا
من عمل بد توام بسیار سواری کردی تو بر من اکنون من بر تو سوار میشوم قوله وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ
عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ عبارت ازان است و چون از قبور روان شوند فرشتگان نویسندگان نیکی و بدی
همراه باشند و شاهد باشند بر آنها مسلمانان را گویند لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ وَأَبْشِرْ بِالْجَنَّةِ
الَّتِي كُنْتَ تُوعَدُ یعنی خوف مکن و غم مخور و خوش باش بهشت که حق تعالی ترا وعده کرده بود
کافران و فاسقان بر صورتهای زبون باشند نابینا و بعضی بر صورت خوک یا سگ یا بوزینه
مانند آن باشند و ربا خواران مانند دیوزدگان استادن نتوانند و آنانکه مال یتیمان بظلم خورده باشند
چون از قبور برخیزند شعله آتش از دهان شان بر آید قال الله تعالی إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا الخ
متکبران بر صورت مورچها باشند هر کس آنها را پایمال کند و هر که بدون حاجت سوال کند چون
از قبر برخیزد بر روی او مضغه گوشت نباشد هر که بر قتل مسلمان بنیم کلمه تکلم کند نوشته شود بر پیشانی او
نا امید از رحمت خدا هر که بجانب کعبه بزاق انداخته بزاق او بر روی او باشد هر که دو زن داشته باشد
و عدل نکند روز قیامت یک پهلوی او افتاده باشد هر که در دنیا دو زبان باشد او را حق تعالی دو زبان دهد
از آتش هر که مقدار یک جب زمین غصب کرده باشد حق تعالی آن زمین را تا هفت طبقه طوق در گردن
سازد همچنین اگر کسی از راه مسلمانان گرفته باشد هر که از مال غنیمت شتر یا اسپ یا بز یا دیگر مال

خیانت کرده باشد آن مال را حق تعالی برگردنش سوار گرداند هر که زیاده از حاجت عمارت کرده باشد تکلیف داده شود که این عمارت را بر دوش خود بردار هر که زکات مال نداده باشد زر و سیم او را بآتش دوزخ گرم کرده او را داغ داده شود و شتران و گاوان و گوسفندان را اگر زکات نداده باشد آن جانوران تا پنجاه هزار سال بروی بگذرند و او را پایمال نمایند هر که حاکم باشد اگرچه بر ده کس حکم رانده باشد آورده شود او را دست او بگردنش بسته اگر نکوئی و عدل کرده باشد خلاصی یابد و اگر بدی و ظلم کرده باشد طوق بگردنش کرده شود هر که از مسئله سوال کرده شود و او جواب مسئله میداند و پوشیده دارد او را از آتش لگام داده شود و هر که در قرآن بغیر علم چیزی بگوید او را هم از آتش لگام داده شود و اسلام و قرآن و اعمال صالحه شفاعت کنند و در ثواب قاریان قرآن والدین ایشان را حلها پوشانیده شود و تاج بر سر نهاده شود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم از آتش سپر بگیرید بگوئید سبحان الله الحمد لله لا اله الا الله الله اکبر ابن ابی الدنیا از ابن عباس روایت کرده که روز قیامت دنیا را بصورت پیرزنی سفید موی ازرق چشم کریه المنظر آورده شود و او را خلائق بینند و گفته شود که این را میشناسید مردم گویند نعوذ بالله من معرفة هذه گفته شود که این دنیاست که بدان تفاخر میکردید و باهم حسد و قطع رحم مینمودید و بغض میکردید پس او را در دوزخ انداخته شود پس بگوید ای پروردگار اتباع و پیروان من کجا هستند حکم شود که اتباع و پیروان او را نیز با وی بیند از شعر بروز حشر شود همچو روز معلوم است چه که با که باخته عشق در شب دیجور بیهقی از عباده بن الصامت و عمرو بن عبسه روایت کرده که دنیا را آورده شود و آنچه در دنیا برای خداست آنرا جدا کرده شود و آنچه برای غیر خداست در آتش انداخته شود و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود سه چیز زیر عرش باشند قرآن و امانت و رحم و شفاعت کنند رحم گوید هر که وصل کرده الٰهی با وی وصل کن و هر که قطع کرده الٰهی از وی قطع کن و در احادیث آمده که اسلام و اعمال و قرآن و امانت و رحم و ایام دنیا و موت و مانند آن بصورت اعیان محشور شوند بعضی علما تاویل میکنند و میگویند که از اعمال نیک صورتهای خوب و از اعمال بد صورتهای قبیح پیدا کنند و در میزان نهند و اصحاب کشف این همه احادیث را بر صورت مثالیه حمل میکنند لیکن ایمان بدان باید آورد و جزم بچیزی از ان تاویلات نتوان کرد و بحث از ان نباید نمود

فصل در ذکر کوثر چون مردم از قبور بر آیند تشنگی بر ایشان غالب باشد و هر پیغمبر را در آن روز حوضی باشد و هر امتی را علامتی باشد که نبی شان از آن علامت امت خود را بشناسد و سید الرسل صلی الله علیه و سلم را حوضی باشد بنام کوثر بمعنی خیر کثیر طول و عرض آن یکیا هم راه باشد آب آن سفید تر از شیر و شیرین تر از عسل و سرد تر از برف و خوشبو تر از مشک و بران آب کوزها باشند مانند ستارگان و زمین او از یاقوت و مرجان و زمرد باشد و دران دو میزاب از بهشت افتند و علامت امت آنسرور صلی الله علیه و سلم آن باشد که روشن باشند اعضای وضو از ایشان و علی بن ابی طالب رضی الله عنه ساقی باشد هر کرا ازان آب داد آنکس باز تشنه نشود و بعضی علما گویند که ورود بر حوض بعد گذشتن از صراط باشد و بعضی پیش از حساب گویند و ظاهر آنست که بعضی کسان را وقت برخاستن از قبور داده شود و بعضی را بسبب معاصی در آنوقت آب نداده شود و بعد خلاصی از دوزخ پیش از دخول جنت داده شود و تشنگی برداشتن و صوم سبب خوردن آب کوثر باشد مشرکان را آب کوثر نصیب نیست و علما گفته اند که اهل هوا یعنی روافض و خوارج و معتزله و مانند شان نیز از آب کوثر محروم باشند و اهل کبائر را بعد خلاصی از دوزخ آب کوثر رسد

فصل چون مردم بمحشر جمع شوند دوزخ را آورده شود هفتاد هزار باگ به هر باگ هفتاد هزار فرشته وقتیکه دوزخ بر صد ساله راه از خلائق باشد بجنبد و حمله کند بقسمی که انبیا و ملائکه از خوف وی بزانوها افتند و نفسی نفسی گویند و رسول کریم صلی الله علیه و سلم امتی امتی گوید حق تعالی فرماید أَوْلِيَائِي مِنْ أُمَّتِكَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ[1] سرد خواهم کرد چشم ترا در حق امت تو یا محمد و آفتاب نزدیک شود دران روز بقدر یک میل و حرارت او زیاده کرده شود و مردم در عرق غرق شوند بقدر گناهان شان بعضی تا شتالنگ و بعضی تا زانو و بعضی تا کمر و بعضی تا دهن علما گفته اند که این از خوارق آن روز است که در زمین برابر متفاوت در عرق غرق شوند و دران روز سایه اعمال صالحه باشد بسبب اعمال صالحه و دوام ذکر خدا و عدالت حاکمان و رحم بر ضعیفان و ترسیدن از خدا و تعلم قرآن و محبت داشتن با صالحان خالصاً لله و حسن اخلاق و صله رحم و مانند آن در سایه عرش خدا باشد

[1] دوستان من از امت تو نه ترس است برایشان و نه اندوهگین شوند ۱۲

کسانیکه خالصاً لله بی واسطهٔ قرابت و مانند آن با هم دوستی کنند و مردم را دوستی خدا دهند و با خدا
دوست سازند دران روز آنها را حق تعالی بر منبرهای نور نشاند که انبیا و شهدا ازان غبطه کنند و کسانیکه علم دینی
بمردم آموزند آنها را حق تعالی بر منبرهای زر زیر قبهها از سیم نشاند که مرصع باشد بمروارید و یاقوت و پوشش
آن قبهها از سندس و استبرق باشد چون دران روز مردم در عرصات در عرق غرق و محبوس باشند و از
طول انتظار آرزو کنند که ازان مقام رهائی یابند اگرچه بدوزخ روند آنزمان شفیع طلب کنند اول از آدم پستر از نوح
پستر از ابراهیم پستر از موسیٰ پستر از عیسیٰ شفاعت خواهند کسی ازانها در خود قدرت شفاعت نیابد آنگاه
پیش سرور کائنات رجوع نمایند آنحضرت بشفاعت برخیزد و پیش عرش مجید آمده سر بسجده نهد آنگاه
فرشته بیاید و بگوید یا محمد چه میخواهی آنحضرت بگوید یارب وعده کرده بودی بمن بقبول شفاعت شفاعت من
قبول کن و درمیان خلائق قضا کن حکم شود که شفاعت تو قبول کردم و برای قضا می آیم رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم پس همراه مردم بایستم ناگاه آواز فرود آمدن شنوم اهل آسمان بپایین فرود آیند و زمین ازانها پر شود
از جن و انس که در زمین باشند از همه شان افزوده باشند و صف بسته بایستند پستر اهل آسمان دوم
بسیار زیاده از اهل زمین و اهل آسمان اول پستر اهل آسمان سوم زیاده ازو و همچنین جمیع اهل آسمانها فرود آیند
هر یک زیاده از ما سبق پستر حق تعالی نزول فرماید فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْغَمَامِ مراد از نزول والله اعلم
نحوی از تجلی باشد پس حق تعالی در جانوران حکم بقصاص فرماید هر بی شاخ از شاخدار عوض گیرد و اگر
انسانی عصفوری را عبث بکشد عصفور فریاد کند یارب این شخص مرا بی فائده کشت نخورد و
منفعت نگرفت و نه زنده گذاشت در زمین تو رسول فرمود صلی الله علیه وسلم زنی بسبب گربه
در دوزخ رفت او را بسته داشت و طعام نداد و نه واگذاشت تا از حشرات زمین بخورد و شخصی
شتری را علف نداد آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که این شتر با تو روز قیامت خصومت
خواهد کرد چون قصاص جانوران تمام شود حق تعالی بفرماید که خاک شوید همه خاک شوند کافر گوید کاشکی من
هم خاک میشدم پس حق تعالی نوح علیه السلام را طلب کند و بفرماید که پیام من بخلق رسانیدی گوید
رسانیدم امت او را طلب کند و گوید که نوح پیام من بشما رسانیده آنها انکار کنند همچنین از دیگر انبیا

و امتان شان سوال کنند کافران منکر شوند حق تعالی از انبیا شهود طلب کند گویند امت محمد صلی الله علیه وسلم
شاهد ماست امت محمد صلی الله علیه وسلم را طلب کند اینها شهادت دهند که انبیا راست میگویند گفته شود
که شما از چه دانستید گویند که پیغمبر ما کتابی از تو آورد و خبر داد که انبیا تبلیغ کردند حق تعالی بفرماید که راست
گفتید و پیغمبر ما صلی الله علیه وسلم گواهی دهد بصدق امت خود رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که سه عرض
شود روز قیامت اول آنکه کفار جدال کنند یعنی انکار کنند از کفر دوم حق تعالی بر آدم و دیگر انبیا
علیهم السلام عذر تعذیب آنها ظاهر کند و حجت بر ایشان قائم کند سوم آنکه نامهٔ اعمال هر یک بدست هر یک آید
آنحضرت صلی الله علیه وسلم میفرماید که نامهٔ اعمال همه زیر عرش باشند حق تعالی بادی برانگیزد که نامهٔ اعمال
هر یک پریده بدست او افتد مومنان را در دست راست کافران را در دست چپ از پس پشت اول سطر
آن باشد اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا یعنی بخوان نامهٔ اعمال خود را
کفایت میکند نفس تو بر تو حساب کننده در حدیث آمده که خوشی ست کسی را که در نامهٔ او استغفار بسیار باشد
و اعضای انسان بروی شهادت دهند بر اعمال او و مکانها و زمانها بروی شهادت دهند آن زمان
آدم علیه السلام را حکم شود که از اولاد خود برای دوزخ جدا کن گوید چه قدر حکم شود که از هزار کس یکی
بهشت و نه صد و نود و نه بدوزخ و میزان قائم کند حق تعالی تا نیکی و بدی مردمان را در آن سنجند
میزان را لسان باشد آنچه در دست میگیرند و دو پله باشد بقسمیکه اگر آسمانها و زمینها در آن سنجیده شود
گنجایش دارد صاحب میزان جبرئیل علیه السلام باشد کافران را در میزان مطلقا وزن نباشد
حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ در حق شان ست در صحیحین از ابی هریره مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
آنکه آورده شود مردی فربه و تازه و او را بقدر پر پشه وزن نباشد و این آیت خواند فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا و در حدیثی دیگر آمده که جزای حسنات کفار در دنیا داده شود و برای آخرت
او را هیچ حسنه باقی نماند و مومنان را حسنات در یک پلهٔ ترازو نهاده شود و سیئات در پلهٔ دوم پس
اگر سیئات از حسنات زیاده باشد اگر حق تعالی خواهد ببخشد و اگر خواهد عذاب کند و اگر از سیئات
یک حسنه هم زیاده شود آن حسنه را حق تعالی فراخ کند و او را به بهشت برد بزار و بیهقی از انس

روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون ابن آدم سنجیده شود اگر میزان او ثقیل شود
فرشته ندا کند همه خلق بشنوند این شخص نیک بخت شد بدبخت هرگز نخواهد شد و اگر میزان او
سبک شود بگوید که این کس بدبخت شد هرگز نیک بخت نخواهد شد در احادیث آمده سُبْحَانَ اللهِ
نصف میزان وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ پری میزان است وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ راجح تر است از جمیع خلائق
وَاللهُ أَكْبَرُ همچنین و ولد صالح که بمیرد و صبر کند و درود بر رسول صلی الله علیه وسلم فرستد و دیگر حسنات
موجب ثقل میزان اند و ذهبی از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که سیاهی
علما با خون شهیدان در قیامت وزن کرده خواهد شد سیاهی علما بر خون شهیدان افضل باشد و از حماد
و ابراهیم نخعی مرویست که مردی را روز قیامت در میزان حسنات کم دیده شود ناگاه مثل ابر آمده در میزان او
آید گفته شود این چیست گفته شود که این آنست که مردم را علم آموخته و این چیز از وی جاری مانده
و از ابی الدرداء مرویست که هر که همت شکم و فرج باشد میزان او ناقص باشد و چون مردم
بمحشر جمع شوند و کفار از مومنین ممتاز گردند و دوزخ محیط محشر باشد گردنی از آتش دوزخ برآید
خزنه دوزخ او را بکشند او بگوید قسم بعزت پروردگار من بگذارید مرا با ازواج من گویند ازواج تو کیستند
گوید هر متکبر جبار نافرمان پس برچیند آنها را چنانچه مرغ دانه می چیند و در شکم خود کند و باز همچنین کند و گوید
بگذارید مرا با ازواج من بگویند کیستند ازواج تو گوید كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ یعنی عهد شکن ناسپاس
آنها را بچیند و در شکم گیرد باز مرتبه سوم همچنین کند و گوید بگذارید مرا با ازواج من گویند آنها کیستند
گوید كُلُّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ یعنی معجب خود پسند فخر کننده و در حدیثی آمده که گردنی از آتش برآید که
آنرا دو چشم باشند و زبانی فصیح و بگوید که من موکل کرده شده ام برای کسی که با الله معبود دیگر گیرد
و بر هر جبار عنید و کسی که بناحق کسی را قتل کرده باشد نفسی را بغیر نفس پس آنها را بچیند پیش از
دیگر آدمیان به پانصد سال و ابن رجب در ارشاد گفته که چون آدم را حکم شود به فرستادن آدمیان
به دوزخ هفت قسم از دوزخیان باشند دو قسم را گردنی از دوزخ برآید و برچیند چنانچه کبوتر دانه
می چیند اول آنکسان باشند که کافر باشند بخدا از راه تکبر و انکار دوم آن قسم باشند که کافر باشند

بخدا از راه جهل و غفلت پس گفته شود که هر کس که با خدا دیگری را پرستش کرده است با معبود خود شود و آفتاب پرستان
پیروی آفتاب و آتش پرستان پیروی آتش و بت پرستان پیروی بتان کنند و آنها با معبودان
خود داخل دوزخ گردند و گویند لَوْ كَانَ هٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا یعنی اگر اینها معبود بحق بودی
داخل دوزخ نشدی پس جماعه چهارم آن باشند که خدا را یکی میدانند و انبیا را تکذیب میکنند
در صفات الهی براه جهل رفته اند چنانچه کفار یونان پس قسم خامس و سادس یهود و نصاری باشند
در محشر تشنه لب باشند گفته شود چه حال دارید گویند تشنه ایم ما را آب دهید گفته شود و به دیده
واشاره کرده شود به دوزخ و دوزخ بصورت سراب آنها را بنظر آید دران افتند و بعد از آن
که چون عابدان پیروی معبودان کنند یک فرشته بصورت عیسی برای نصاری و یک فرشته بصورت عزیر
برای یهود ظاهر شود و آنها پیروی او کنند و آنها را بدوزخ رساند فقیر گوید ظاهر از یهود و
نصاری کسیکه پرستش عیسی و عزیر کرده در فرقهٔ رابعه داخل دوزخ شوند و کسی که عیسی و عزیر را
رسول دانسته اند و پرستش آنها نکردند و بسبب انکار نبوت محمد صلی الله علیه وسلم کافر شدند آنها
در فرقهٔ خامسه و سادسه داخل دوزخ شوند چون باقی نمانند مگر مومنان و درمیان شان منافقان باشند
حق تعالی ظهور کند و بفرماید مردم پیروی معبودان خود کردند شما هم پیروی معبود خود کنید آنها گویند
والله که ما سوای خدا دیگر کسی را عبادت نکرده ایم حق تعالی بگوید که من پروردگار شما ام گویند
که منتظر ایم تا که حق تعالی را بعلامتی که میشناسیم ببینیم آن زمان حق تعالی تجلی کند بنهجی که از آن تعبیر فرموده
يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ و حکم کرده شود بسجود مومنان مخلص بسجود روند
و منافقان را پشتها مثل شاخهای گاو سخت شوند و بر پشت افتند و سجود نتوانند کرد در دوزخ
انداخته شوند پس مسلمانان سوال کرده شوند و حساب کرده شود و اعمال شان را در میزان عدل سنجیده شود
اول سوال کرده شود از خونریزها مقتول گوید یا رب ازین بپرس که مرا چرا کشته حق تعالی بپرسد
حال آنکه او دانا ترست غازی فی سبیل الله گوید که قتل کردم این را تا که عزت مر ترا باشد حق تعالی فرماید
راست گفتی و روی او را حق تعالی مثل آفتاب کند و فرشتگان مشایعت او کنند و به بهشت رسانند

همراهی کردن ۱۲

دیگر قائل گویشتم اوراتا که عزت مرا باشد حق تعالی فرماید هلاک شدی تو فرستاده شود بدوزخ پستر در
دیگر مظالم حکم بعوض کرده شود تا آنکه کسی که در شیر آب انداخته فروخته است تکلیف داده شود که شیر را از
آب جدا کن و سوال کرده شوند مردم از صحت بدن و سمع و بصر و دیگر نعمتها که کجا صرف کردید و سوال کرده شوند
از علم که بران عمل کردند یا نه و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم علم را پوشیده ندارید خیانت در علم سخت تر است
از خیانت در مال حق تعالی ازان سوال خواهد کرد و فرموده که مرد از جاه و مرتبه سوال کرده خواهد شد چنانچه از مال سوال
کرده خواهد شد و از ازواج و از اموال و عیال و ممالیک و چون سوال کرده خواهد شد از اعمال اول از نماز سوال کرده خواهد شد
و نماز را وزن کرده خواهد شد نماز را عند الله وزن است اگر دران نقصان خواهد بود فرائض را بنوافل جبر نقصان
کرده خواهد شد پستر در زکات پستر دیگر اعمال در حدیث آمده اول در نماز نظر کرده خواهد شد اگر نماز بدرجه قبول رسید
در دیگر اعمال نظر کرده شود هر که امامت کند قومی را باید که از خدا بترسد و بداند که او ضامن است اگر بخوبی امامت کرد
او را ثواب باشد مثل ثواب مقتدیان و هر چه نقصان کند بر گردن وی باشد و از سه چیز سوال نکرده خواهد شد
از پارچه که بدان ستر عورت کند و از پارچه نان که گرسنگی دفع کند و خانه بقدریکه از گرمی و سردی پناه کند
و سوال کرده خواهد شد ازانکه با که دوستی کردی و با که نکردی و با که دشمنی کردی و با که نکردی حق تعالی
خواهد فرمود هر که با دوستان من دوستی نکند و با دشمنان من دشمنی نکند او را رحمت من نرسد از بادشاهان
و قاضیان و حاکمان و سرداران سوال کرده خواهد شد از عدل و حسن سلوک با رعیت و از زنان که در مال
و اولاد و شوهر چه کرده و از بنده که در مال سید چه کرده و چون بنده از گناه توبه کند حق تعالی
فرشتگان را ازان گناه فراموشی دهد و همچنین جوارح او را و زمین او را و غیره شهادت دهندگان را
فراموش سازد و اگر مسلمانی را در دنیا مصیبتی رسد اگر خاری در پا او خلد او را موجب اجر داند و صبر
کند آن مصیبت عوض گناهان شود و از چه گناه در آخرت محفوظ ماند و بعد حساب وزن اعمال
اگر از حقوق الله چیزی بر ذمه او باقی ماند حق تعالی اگر خواهد عذاب کند و اگر خواهد بخشد و ستر عیب کند
احمد از ابی هریره روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بنده مسلمان را روز قیامت
از خود نزدیک کند و گوید نامه اعمال خود بخوان چون بر حسنه آید آن مرد خوش شود حق تعالی فرماید ازین

قبول کردم او بسجده رود و چون به خواندن گناه رسد غمگین شود و چون برسد حق تعالی بفرماید که ترا بخشیدم
باز بسجده رود و مردم از وی هیچ نه بینند مگر سجود و باهم مردم گویند چه خوش ست این مرد هیچ گناه
نکرده است و نمیدانند که در میان او و حق سبحانه چه گذشته و این را حساب یسیر گویند و آنکه از
عائشه رض روایت کرده که آنحضرت در نماز گفت اللهم حاسبني حسابا يسيرا چون از نماز فارغ شد
گفت یا رسول الله حساب یسیر چیست فرمود آنست که حق تعالی در نامهٔ اعمال به بیند و درگذرد بخشد
من نوقش في الحساب يا عائشة هلك و اگر زیاده فضل فرماید عوض گناه ثواب نیکی دهد حق تعالی
میفرماید يبدل الله سيئاتهم حسنات و مسلم از ابی ذر روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردی را روز قیامت آورده شود و صغائر گناه بر وی عرض کرده شود و او بدان اقرار کند و بترسد
و از کبائر ترسان باشد پس حکم شود که این را بجای هر گناه ثواب نیکی دهند آنگاه آمرزد بطمع ثواب گوید که مرا
دیگر گناهان هم هستند که شمرده شده اند سید الرسل صلی الله علیه وسلم ازین سخن خندید که دندان مبارک
ظاهر شد و ابن ابی حاتم از سلمان رضی الله عنه قول او روایت کرده که مردی را روز قیامت نامهٔ اعمال
او داده شود و او بالای صحیفه سیآت خواند و ترسان باشد و پایین صحیفه حسنات خواند باز چون بالا
صحیفه نظر کند بجای سیآت حسنات نوشته بیند و از ابی هریره روایت کرده که میگفت بعضی مردم
روز قیامت دوست دارند که سیآت بسیار میکردیم و آنها آن کسان اند که يبدل الله سيئاتهم
حسنات در شان آنهاست و درین مقام دو توجیه میتوان کرد یکی آنکه بندگان خاص بمجرد صدور معصیت
آنقدر ندامت میکشند و در جناب الهی تضرع و التجا میکنند که آن گناه کار حسنات میکند و نتیجهٔ حسنات
مینماید دوم آنکه کسانیکه غرق دریای عشق و محبت الهی هستند در غلبهٔ حال گاهی از آنها اعمال صادر شود
که بمیزان شرع سنجیده نمیشود مثل سماع و وجد و رهبانیهٔ مبتدعه و ترک جمعه و جماعات در ابتدا و
کلمات شطحیه حق تعالی اینچنین اعمال را نظر بر عشق و محبت شان ثواب حسنات دهد
مثنوی — هرچه گیرد علتی علت شود × کفر گیرد کاملی ملت شود × کار پاکان را قیاس از خود مگیر ×
گرچه ماند در نوشتن شیر و شیر × او بدل گشت و بدل شد کار او × لطف گشت و نور شد هر نار او ×

وانچه در حدیث ابی ذر آمده که صغار ذنوب بروی عرض کرده شود و کبار پوشیده داشته شود
معنیش آن باشد که عوض صغار ذنوب حسنات داده شود و اگر احیاناً بزور تقدیر از چنین کس
کبیره صادر شود آنرا پوشیده دارد و ببخشد و آنچه از حقوق عباد اگر بذمه کسی باشد هرگز بخشیده نشود
بلکه حسنات مدیون بدائن و ظالم بمظلوم دهانیده شود و اگر حسنات او تمام شود و دیون و حقوق مردم
بروی باقی مانند سیآت دائنان و مظلومان بر مدیون و ظالم نهاده او را بدوزخ فرستاده شود
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نباشد که بمیری و دین کسی بر تو باشد در آخرت درم و دینار نباشد
در عوض دیون حسنات داده شود و یا سیآت بروی نهاده شود و فرموده که اگر در راه خدا کشته شود
و باز زنده شود و باز کشته شود داخل بهشت نشود تا که ادای دین نکند و فرموده که نامه اعمال
گناهان سه باشد یکی بابت شرک هرگز بخشیده نشود دوم بابت حقوق الله حق تعالی در
بخشیدن حق خود باک ندارد سوم ظلم عباد در آن قصاص شود بی شبهه و فرموده که مفلس امت
کسیست که نماز و روزه وغیره حسنات دارد و یکی را دشنام داده است و دیگری را مال گرفته و
دیگری را خون ریخته و دیگری را زده است پس هر یک را حسنات او داده شود و چون از حسنات
هیچ نماند گناهان مظلومان بروی نهاده او را بدوزخ انداخته شود لیکن اگر حق تعالی فضل فرماید
خود از طرف مدیونان عوض داده مدیونان را از دائنان رهائی دهاند رسول فرمود صلی الله علیه
وسلم هر که مدیون شد و نیت ادای دارد و او را میسر نشد حق تعالی از طرف او ادا کند و اگر
در نیت او ادا نباشد قصاص حسنات و سیآت کند و همچنین اگر دین برای اسراف بیخود کرده باشد
البته ماخوذ شود و اگر بنابر ضرورت یا برای تقویت بر جهاد یا برای تعفف و نکاح یا برای تکفین
مرده فقیر مسلمان مدیون شده باشد و نیت ادا دارد حق تعالی از وی ادا کند و اگر زیاده
تفضل کند مظلومان را با انعامات خوش کند تا که او را ببخشند و او را با خود به بهشت برند

فصل بعضی مسلمانان را حق تعالی بغیر حساب به بهشت داخل کند و ایشان را از
حساب معاف دارد در صحیحین از ابن عباس مروی ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم عرض کرده شد

بمن امتهای انبیای سابق با بعضی از پیغمبران یکمرد مومن ست و با بعضی دو مرد و با بعضی کسی نیست
و با بعضی جماعتی ست و دیدم سواد کثیر که افق را پر کرده بود هر سو همچنین سواد کثیر دیدم گفته شد که این
امت تست با اینها هفتاد هزار کس باشند که بغیر حساب داخل بهشت شوند رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم آنها کسانند که افسون نکنند و داغ نکنند و تطیر [شگون بد گرفتن باشد] نکنند و بر خدا توکل کنند عکاشه
رضی الله عنه گفت من هم از انجماعه باشم فرمود باشی مردی دیگر گفت من هم باشم فرمود
عکاشه سبقت کرد و همچنین در صحیحین از ابی هریره و نزد مسلم از عمران بن حصین آمده و در حدیث
ابی امامه آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که مرا وعده کرده است پروردگار من که هفتاد هزار کس
از امت تو بغیر حساب داخل بهشت شوند و با هر هزار کس هفتاد هزار کس باشد و سه حثیات از
حثیات [حثیات بمهمله و ثاء مثلثه ۱۲] پروردگار و حثی چیزی را گویند که در دو کف شخص آید و در حدیث ابی بکر صدیق نزد احمد
وغیره آمده که هفتاد هزار کس بغیر حساب داخل بهشت شوند روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشند پس
زیاده طلب کردم از خدا پس زیاده کرد حق تعالی با هر کس از ان هفتاد هزار کس هفتاد هزار کس و در حدیثی
آمده کسانیکه حمد خدا کنند در راحت و رنج داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شهدا فی سبیل الله
داخل بهشت شوند بغیر حساب و در حدیثی آمده که شب خیزان و در حدیثی اهل فضل و اهل صبر و متحابون فی الله
داخل شوند بغیر حساب اهل فضل کسانند که کسی بر انها ظلم کند صبر کنند و کسی با ایشان
بدی کند ایشان ببخشایند و کسی با ایشان جهل کند ایشان تحمل نمایند و اهل صبر آنها هستند
که بر طاعت خدا و از معصیت صبر کنند و متحابون فی الله آنها که برای خدا باهم دوستی کنند
و بی علاقه دنیا باهم ملاقات نمایند و در احادیث آمده هر که در رنج و مصیبتها صبر کند و هر که
در حج و عمره بمیرد و اهل عرفان و احسان و طالبان علم و زنی که فرمان بردار زوج باشد و آنکه نیکی کنند
با والدین و کسی که از فقر جامه دیگر ندارد و طعام دو قسم نتواند خورد و شراب دو قسم ندارد و کسیکه
بدنیا رغبت ندارد و کسیکه از خوف خدا بگرید بغیر حساب داخل بهشت شوند و اصبهانی از انس رض
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم چون بعض انها قائم شوند اهل نماز و اهل روزه

و اهل حج را ثواب داده شود و میزانها و اهل بلا آورده شوند نه میزان برای شان نهاده شود و نه
یعنی صاحب رنج و درد در دنیا ۱۲
دفتر اعمال برای آنها کشاده شود و ریخته شود بر آنها ثواب بغیر حساب تا آنکه اهل عافیت تمنا کنند
آنکه بدنهای شان در دنیا بمقراضها بریده میشد حق تعالی میفرماید إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُم
بِغَيْرِ حِسَابٍ یعنی جز این نیست که داده خواهند شد صابران ثوابهای شان بغیر حساب پس تر چون اهل
کافران را حکم بدوزخ و مومنان را حکم برفتن بسوی بهشت شود مومنان را حق تعالی موافق اعمال
شان نور دهد بعضی کسان را نور باشد مانند کوه و بعضی را مثل درخت خرما و کمترین نور کسی را
باشد که نور او در زیر انگشت پای او باشد گاهی ظاهر شود و گاهی پوشیده و کافران و منافقان را
نور نباشد قال الله تعالی وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن نُّورٍ و در بعضی احادیث
آمده که منافقان را هم نور باشد لیکن آن نور بر صراط منطفی شود و منافقان مومنان را گویند که
نظر کنید بما تا هم از نور شما روشنی گیریم مومنان گویند ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا یعنی
باز گردید پس پشت خود جائیکه حق تعالی نور در مومنان تقسیم کرده آنجا نور طلب کنید یا آنکه در
دنیا روید آنجا ایمان و اعمال صالحه کسب کنید که این نور از آنست آنگاه مومنان را دیواری
مثل دیوار قلعه پیش آید و در آن دیوار در باشد مومنان از آن در گذرند و منافقان بیرون در
باشند اندرون آن دیوار رحمت باشد نسیم بهشت و بیرون آن عذاب دوزخ منافقان
مومنان را آواز دهند آیا ما با شما نبودیم بر ملت اسلام مومنان گویند آری شما با ما بودید لیکن شما
نفس خود را در فتنه یعنی کفر و معصیت انداختید که عقائد فاسده و اعمال خبیثه اختیار نمودید
ظاهرا در آیات و احادیث که دلالت دارند بر نبودن نور منافقان را مراد از منافقان آنکسانی شدند
که در باطن کفر دارند و بنابر تقیه و استهزا کلمه شهادت میگویند آنها را نور نباشد که اصل نور ایمان
ست و ایمان بقلب تعلق دارد و در احادیث که وارد شده که منافقان را نور منطفی شود
مراد از اصحاب توحید از فرقهای مبتدعه باشد روافض و خوارج و معتزله و مانند شان که
نور ایمان آنها از دو بدعت منطفی شود فائده رسول فرمود صلی الله علیه وسلم نماز نور باشد

بر صراط و کسی که در تاریکیها بمساجد رود نور تام باشد روز قیامت و فرموده هر که سوره کهف
خواند روز جمعه او را از زیر قدم تا آسمان نور باشد روز قیامت و فرموده مردی صالح اگر در دنیا
کور شود او را نور باشد روز قیامت و فرموده هر که تیر انداخت در راه خدا او را نور باشد
روز قیامت و فرموده ذکر کننده در بازار را از هر مو نور باشد روز قیامت و فرموده هر که
سختی از مسلمانان دور کند او را مشعله باشد از نور بر صراط که از آن روشنی پذیرد عالمی که احاطه
نکند آنها را مگر رب العزت و فرمود که پرهیز کنید از ظلم بدرستی که ظلم تاریکیها باشد روز قیامت

فصل چون محشر را دوزخ محیط باشد برای رفتن بسوی جنت بر پشت دوزخ پلی باشد
که آن را صراط گویند باریکتر از مو و تیزتر از شمشیر و بر آن پل کلوبها و خارها باشد کافران و منافقان
در دوزخ افتند و بر صراط عبور نتوانند کرد و مومنان از آن بگذرند بقدر اعمال خود و بعضی مثل برق
و بعضی مثل باد تند و بعضی مثل اسپ تیز رو و بعضی مثل شتر تیز رو و بعضی مثل پیاده جلد رو
و بعضی مثل پیاده سست قدم و بعضی بخرابی و دقت مجروح شده رنج کشیده نجات یابند و بعضی بسبب
گناهان خود در دوزخ افتند در حدیث آمده که هر که واسطه شود بسوی پادشاه برای حاجت برادر مسلمان
حق تعالی او را در گذشتن بر صراط مدد فرماید و هر که بخوبی صدقه دهد بخوبی از صراط بگذرد و در حدیث آمده
که هر که مردم را سنت پیغمبر صلی الله علیه وسلم آموزد بچشم زدن بر صراط درنگ کند و از وهب بن منبه مروی است که
داود علیه السلام از حق تعالی پرسید که جلد رو تر بر صراط که باشد فرمود کسانیکه از حکم من راضی باشند
و زبان شان بذکر تر باشد و ابن مبارک و ابن ابی الدنیا از سعید بن ابی هانی روایت کرد که صراط
روز قیامت بر بعضی مردم باریکتر از مو باشد و بر بعضی مثل وادی بهن تر حق تعالی میفرماید
وَاِنْ مِّنْكُمْ اِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلٰى رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِيْنَ اتَّقَوْا وَّنَذَرُ
الظّٰلِمِيْنَ فِيْهَا جِثِيًّا یعنی نباشد از شما کسی مگر وارد شود دوزخ را هست این امر بر پروردگار تو
لازم حکم کرده شده بس نجات دهیم متقیان را و بگذاریم ظالمان را در آن بر زانو افتاده مراد از ورود در جهنم
همین گذشتن ست بر صراط که بر پشت دوزخ باشد بعضی مردم چون داخل بهشت شوند بگویند ای پروردگار

نکتوب آمد
آهنگران که بدان
آهن گرم میکنند

وعده کرده بودی بوده‌ام دوزخ را دوزخ رانده‌ایم حکم شود که چون شما از دوزخ گذشتید دوزخ سرد شده
و طبرانی از یعلی بن امیه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که دوزخ روز قیامت مسلمان را
گوید که زود بگذر ای مومن که نور تو آتش مرا سرد کرد و در حدیث آمده که هر کرا سه کس از اولاد پیش از بلوغ مرده باشند
وارد دوزخ نشود مگر ره گذر و در حدیثی آمده که هر که نگهبانی مسلمانان کند از کفار برای خدا در دوزخ وارد نشود
مگر تحلة القسم در صحیح بخاری از ابی سعید خدری مروی است که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که چون مومنان
از آتش نجات یابند حبس کرده شوند بر پلی که میان دوزخ و بهشت باشد پس قصاص گرفته شود بعضی را
از بعضی در مظالم چون از آن پاک شوند داخل بهشت شوند پس قسم کسی که جان محمد صلی الله علیه وسلم در دست اوست که هر
از شما خانه خود را در بهشت راه یابد چنانچه خانه خود در دنیا می شناسد علما در تفسیر این حدیث اختلاف
کرده‌اند بعضی میگویند که این پل دیگر باشد بعد صراط و بعضی میگویند که بر کناره همان صراط برای
قصاص باهم استاده کرده شوند و ظاهر آنست که این قصاص سوای آن قصاص باشد که پیش از
صراط شده و آن قصاص دخول دوزخ باشد و این قصاص حبس باشد از دخول جنت تا وقتیکه مهذب شوند
فصل جماعتی از مسلمانان چون از آتش دوزخ بسبب اعمال صالحه نجات یابند و بسبب بعضی معاصی
دخول جنت نتوانند کرد در قلعه که میان بهشت و دوزخ باشد محبوس باشند آن قلعه را اعراف گویند
رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اعراف سوری است میان بهشت و دوزخ و اصحاب اعراف گناهگاران اند
که محبوس باشند بحکم خدا بر سر دیوار اعراف بر آمده دوزخیان را بسیاه روئی و بهشتیان را بسفید روئی
بشناسند چون بسوی اهل بهشت بینند دخول بهشت را طمع کنند و چون بسوی دوزخیان بینند از
حال شان پناه جویند بخدا آخر کار حق تعالی آنها را داخل بهشت سازد قوله تعالی أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ
أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنتُمْ تَحْزَنُونَ
و در حدیثی آمده که اصحاب اعراف مردان باشند که در راه خدا شهید شده باشند لیکن نافرمان پدران
باشند بسبب شهادت داخل دوزخ نشوند و بسبب معصیت پدران داخل بهشت نشوند تا وقتیکه
و چرب شان خشک شود آنزمان حق تعالی برحمت خود آنها را داخل بهشت کند از این حدیث مستفاد میشود

که از شهادت هرچند گناهان آمرزیده شوند که السیف محی الذنوب آمده اما حقوق العباد آمرزیده نشود
و ابن مسعود رضی الله عنه گفته که هر کس را که حسنات او از سیآت بیک حسنه بیفزاید داخل بهشت شود
و هر که سیآت او از حسنات بیک سیئه فزاید داخل دوزخ شود و هر که حسنات و سیآت او برابر باشد
آنها بر صراط محبوس باشند آنها اهل اعراف اند نور مومنان مومنان را به بهشت رساند و نور منافقان
منطفی شود و اصحاب اعراف را نور منطفی نشود و لهذا طمع دخول جنت دارند و آخر کار داخل جنت شوند
غرضکه اعراف را منزله بین المنزلتین نباید دانست چنانچه بعضی اهل اهوا گفته اند چرا که در اعراف خلود نیست

فصل شفاعت اکرم الرسل صلی الله علیه وسلم و دیگر انبیا و صدیقان و شهدا و اولیا و علما و صلحا و
طفلان که صغیر مرده باشند و شفاعت اعمال صالحه از تلاوت قرآن و نماز و روزه و صدقه و مانند آن
حق ست هر کرا حق تعالی اذن کند و هر وقت که اذن شود شفاعت کنند و شفاعت شان قبول شود
بعضی کسان را در قبر شفاعت در رسد رسول صلی الله علیه وسلم سوره ملک را گفته هِيَ الْمَانِعَةُ هِيَ
الْمُنْجِيَةُ مِنْ عَذَابِ اللهِ و بعضی را در عرصات رسد مستحق دوزخ داخل دوزخ نشود
و بعضی بعد دخول دوزخ بشفاعت از انجا رهائی یابند و بعضی را در بهشت بشفاعت درجات عالیه
میسر شوند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی مرا اختیار داده در میان آنکه نصف امت من
و بروایتی دو ثلث امت من بغیر حساب و عذاب داخل بهشت شوند و در میان شفاعت برای امت خود
شفاعت اختیار کردم و آن برای هر مسلمان باشد درین باب احادیث بسیار اند و فرمود صلی الله
علیه وسلم که شفاعت من باشد برای کسانیکه گناه کبیره کرده باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم
خوب مردم من برای بدان از امت خود مردم گفتند چگونه یا رسول الله فرمود بدان بشفاعت من در
یعنی خوب مردم هستم ۱۲
بهشت روند و نیکان باعمال خود روند و فرمود که شفاعت کرده باشم کرده باشم تا آنکه گویم که ای
پروردگار شفاعت من قبول کن در حق هر کس که لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ گفته حق تعالی فرماید قسم بعزت من
و جلال من که هیچکس را در دوزخ نگذارم که لا اله الا الله گفته باشد و فرمود علیه السلام که هر که اذان
شنیده گوید اللّٰهُمَّ رَبَّ هٰذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ تا آخر او را شفاعت من باشد

وفرموده هرکه ثابت باشد بر سختی مدینه وآنجا باشد برای او شاهد وشفیع باشم
وفرموده هرکه در مدینه یا مکه بمیرد او را شفاعت کنم وفرموده هرکه برای زیارت
من آید واجب باشد بر من شفاعت او ودر روایتی آمده هرکه زیارت قبر من کند واجب باشد
بر من شفاعت او وفرموده بسیار درود بفرستید بر من بروز جمعه وشب جمعه هرکه چنین کند او را
شاهد باشم وشفیع وفرموده هرکه ده بار صبح وده بار شام بر من درود فرستد او را شفاعت من رسد
وفرموده بهترین کسان برای شفاعت من روز قیامت کسی باشد که درود بر من بسیار فرستاده باشد
وفرموده که هرکه بعد نماز این دعا خواند اَللّٰهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّدَنِ الْوَسِیْلَةَ وَاجْعَلْهُ فِی الْمُصْطَفَیْنَ
مَحَبَّتَهٗ وَفِی الْعَالِیْنَ دَرَجَتَهٗ وَفِی الْمُقَرَّبِیْنَ دَارَهٗ واجب شود او را شفاعت محمد صلی الله
علیه وسلم وفرمود که دو صنف باشند که آنها را شفاعت من نرسد روز قیامت یکی مرجیه دوم قدریه
مرجیه آن باشند که یقین کنند بمغفرت وگویند که مسلمان را هیچ گناه ضرر نکند چنانچه کافر را هیچ حسنه
فائده نکند وقدریه منکر شفاعت اند ومیگویند که صاحب کبیره بدون توبه مخلد فی النار باشد وفرمود
که دو مرد را شفاعت من نباشد یکی بادشاه ظالم دوم آنکه در دین از شرع تجاوز کند وبر آید یعنی اهل اهوا
مثل روافض وخوارج ومانند آنها وفرمود که جدال بگذارید جدال کننده را شفاعت من نرسد یعنی آنچه
خدا ورسول بفرماید آنرا قبول باید کرد ودران جدال نباید کرد وفرمود اول شفاعت کننده وشفاعت
قبول کرده شده من باشم وفرمود اول شفاعت انبیا باشد پستر شفاعت صدیقان پستر شفاعت شهدا
وبروایتی اول شفاعت انبیا پستر شفاعت علما پستر شفاعت شهدا پستر شفاعت مؤذنان وفرمود عالم
وعابد حاضر شوند عابد را گفته شود که داخل بهشت شو وعالم را گفته شود که بایست تا شفاعت کنی
از ابن عمر مرویست که گفته شود عالم را که شفاعت کن در شاگردان خود اگرچه عدد ستارگان باشند وفرمود
رسول صلی الله علیه وسلم که شهید شفاعت کند در هفتاد کس از اهل بیت خود وفرمود که حاجی که در
چهار صد کس از اهل بیت خود شفاعت کند وفرمود که مردی شفاعت کند برای یکمرد ومردی برای دو کس
وسه کس روز قیامت ومردی باشد که بشفاعت او زیاده از بنی تمیم ومثل ربیعه ومضر داخل بهشت شوند

یعنی بحث بطریق رد وانکار نه برای تحقیق ۱۲

وفرموده که مردی را از اہل جنت مشرف شود بر دوزخیان مردی را از اہل دوزخ گوید ای فلان تو مرا می شناسی که
گویدنی گوید که من آنکس ہستم که تو از من آب خواستی من ترا آب خورانیدم مرا شفاعت کن آن مرد از خدا سوال
کند او را از آتش برآید مردی مردی را گوید من ترا آب وضو داده بودم مردی دوزخی مردی بہشتی را
گوید یاد داری که تو مرا برای کاری فرستادی من رفتم و کار تو کردم او شفاعت کند و رسول فرموده
صلی اللہ علیہ وسلم در تفسیر قوله تعالی فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُمْ مِّن فَضْلِهِ مراد از
یزیدهم من فضله شفاعت ست برای دوزخیان کسانیکه با ایشان در دنیا نیکی کرده بودند و فرموده
که حافظ قرآن را که حلال را حلال داند و حرام را حرام داخل جنت کرده شود و شفاعت کند ده کس
که آتش برای شان واجب باشد و فرموده طفلان مسلمین زیر عرش شفاعت کنند و شفاعت شان
قبول شود و در حدیثی آمده هر کرا سه بچه مرده باشد بر در وازه بہشت ایستاده باشند آنها را گفته شود
که در بہشت بروید گویند چگونه رویم پدر و مادر ما داخل نشده اند در مرتبه دوم یا سوم گفته شود بروید
شما و پدر و مادر شما و فرموده که روزه و قرآن شفاعت کنند روزه گوید که من این را از خوردن و شہوت
باز داشته بودم شفاعت من قبول کن و قرآن گوید که من این را از خفتن باز داشته بودم و حجر اسود
روز قیامت لب و زبان باشد شہادت دہد برای کسی که بوسه داده بود رسول فرموده صلی اللہ علیہ وسلم
لعنت کنندگان روز قیامت شاہد و شفیع نباشند اگر کسی گوید که چون از شفاعت رسول
صلی اللہ علیہ وسلم است او از آتش بیرون شدند بشفاعت دیگران چه حاجت باشد گفته شود که شفاعت
دیگران از علما و صلحا و غیرہم داخل شفاعت آنحضرت ست که بدولت متابعت آنحضرت مرتبه شفاعت
یافتند حق تعالی برای اظہار شرف آنها آنها را مرتبه شفاعت داده در صحیحین در حدیثی طویل از ابی سعید خدری
مروی ست که رسول صلی اللہ علیہ وسلم فرموده چون مومنان از آتش رہائی یابند و از صراط بگذرند در جناب الہی
برای برادران خود که در دوزخ باشند او از شفاعت بمبالغه برارند و گویند ای پروردگار اینها با ما نماز و
روزه و حج میکردند حکم شود که برارید هر کرا بشناسید حق تعالی آتش بر صورتهای مسلمانان حرام کند
صورتهای شان بحال باشد پس برارند خلقی کثیر را و گویند یارب حالا از اینها کسی نمانده که امر کردی تو حکم شود

یعنی پس تمام دهد ایشان را مزد ایشان و افزون دهد ایشان را از فضل خود ۱۲

که باز برویید و هر که در دل او بقدر دینار ایمان باشد وی را برارید پس بیرون آرند خلقی کثیر را باز حکم شود که برویید
و برارید کسی را که در دل او مثل مورچه ایمان باشد پس برارند خلقی کثیر را و بگویید یا رب حالا نگذاشتیم در دوزخ
هیچ چیز پس حق تعالی بفرماید که فرشتگان شفاعت کردند انبیا شفاعت کردند مسلمانان شفاعت کردند
و باقی نماند مگر ارحم الراحمین فَیَقْبِضُ قَبْضَةً مِّنَ النَّارِ یعنی حق تعالی یک قبضه از دوزخ بگیرد
پس برارد قومی را که گاهی هیچ عمل نیک نکرده است مثل انگشت شده است پس بیندازد حق تعالی آنها را در
نهری بر روی بهشت آن را نهر حیات گویند پس آیند چنانچه دانه می روید در سیل پس برایند مثل دانه مروارید
در گردنهای شان مهرها باشند اهل بهشت گویند که اینها آزاد کرده خدا اند و باقی ماند یکمرد میان دوزخ و
بهشت روی او بسوی دوزخ باشد سوال کند از خدا که روی من از دوزخ بگردان حق تعالی فرماید که چیزی
دیگر سوال نکنی او عهد کند که نکنم حق تعالی روی او بسوی بهشت کند و تازگی جنت بیند مدتی خاموش ماند
باز گوید که مرا نزدیک دروازه بهشت کن حق تعالی فرماید که تو عهد کرده بودی که دیگر سوال نکنم باز از و عهد گیرد
که دیگر سوال نکنم و بر دروازه بهشت برد مدتی آنجا خاموش باشد باز سوال کند دخول بهشت را حق تعالی فرماید تو
عهد کرده بودی که سوال نکنم او گوید الهی مرا بدبخت ترین خلق مکن و دعا کرده باشد تا که حق تعالی بخندد و او را به بهشت در آرد
و بفرماید که آرزو کن او آرزو کند تا که منقطع شود آرزوی او حکم شود که آنچه آرزو کردی ترا باشد و ده چند زیاده از آن
فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که رحمت را حق تعالی صد حصه کرده یکحصه در جمیع خلائق تقسیم کرده
و نود و نه حصه نزد خود داشته که روز قیامت دوستان خود را خواهد کرد و فرمود که قسم بخدا آن قدر رحمت خواهد کرد
که ابلیس امیدوار شود و بیشتر رحمت او تعالی قاریان قرآن و علما را باشد حق تعالی میفرماید ثُمَّ أَوْرَثْنَا
الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُم مُّقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ
سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا الآیة
یعنی بعد انبیای سابق وارث کتاب کردیم کسانی را که برگزیدیم از بندگان خود پس بعضی از اینها ظالم باشند
بر نفس خود بگناهان و بعضی از اینها میانه رو باشند و بعضی از اینها سبقت کننده باشند به نیکیها باذن خدا
همین است فضل بزرگ بهشتهای همیشگی را داخل شوند که نهرها دران جاری باشند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم

این لفظ از المصنف در توصیف بهشت افزوده اند و از ترجمه نیست و لفظ آیت مابعد یحلون فیها من اساور من ذهب و لؤلؤا و لباسهم فیها حریر

سابقان داخل بهشت شوند بغیر حساب و میانه روان را حساب یسیر شود و ظالمان در طول محشر محبوس باشند بسبب رحمت خدا
آنهارا تلافی کند بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْٓ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَکُوْرٌ
و فرمود که حق تعالی علمارا فرماید که من علم خود در شما نداده بودم مگر آنکه اراده مغفرت شما داشتم برای شما بر هر چه از شما آید و باک ندارم
فائده بهترین مسلمانان نزد خدا سه فریق اند شهدا که جان خودها را در راه خدا بذل کردند دوم علما که عقل
و حواس خودها در راه خدا بذل کردند سوم اسخیا که مال خودها در راه خدا بذل کردند لیکن اخلاص شرط است
که نیت خالصاً لله باشد وگرنه اول بدوزخ روند مسلم از ابی هریره روایت کرد که رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم اول کسی که حکم کنند بروی حق تعالی شهید باشد حق تعالی گوید که چندین نعمت بتو دادم تو
چه عمل کردی گوید که در راه تو شهید شدم فرماید که دروغ گفتی قتال کردی برای آنکه مردم ترا جری و شجاع گویند
پس گفته شد پس حکم شود که او را کشیده بدوزخ اندازند دوم عالم که حق تعالی نعمتها باو داده پرسد که چه
عمل کردی گوید که برای تو علم آموختم و مردم را تعلیم کردم و قرآن خواندم و خوانانیدم حق تعالی فرماید که دروغ
گفتی بلکه تعلیم و تعلم کردی تا که ترا مردم عالم و قاری گویند پس گفته شد پس حکم شود بدوزخ انداخته شود سوم
مردی که او را حق تعالی مال داده و او هر صنف مال بمردم بخشیده چون نعمتهای خدا باو داده از وی پرسد که
چه عمل کردی گوید که در راه تو مال هر صنف خرج کردم حق تعالی فرماید که دروغ گفتی بخشیدی مردم را
مگر تا که ترا جواد گویند و گفته شد پس حکم شود بدوزخ انداخته شود پس در هر عمل نیت خالصةً لله
شرط قبول است رسول فرمود صلی الله علیه وسلم اِنَّمَا الْاَعْمَالُ بِالنِّیَّاتِ عمل معتبر نیست مگر به نیت

فصل اَلْاِیْمَانُ بَیْنَ الْخَوْفِ وَالرَّجَآءِ ابو نعیم از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول فرمود
صلی الله علیه وسلم که یکی را از انبیای بنی اسرائیل وحی شد که طاعت کنندگان مرا بگو که بر عمل خود تکیه نکنند اگر
بنده را حساب کنم و خواهم که او را عذاب کنم البته او را عذاب کنم یعنی در حساب کسی نمی تواند برآمد و بگو گناهگاران را
که از رحمت خدا نا امید نشوند که من گناهان کبیره را می بخشم و باک ندارم و طبرانی از واثله بن اسقع روایت کرد
که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که روز قیامت بنده باشد که هیچ گناه نکرده حق تعالی ازو گوید چه میخواهی
اگر خواهی بحساب اعمال ترا جزا دهم و اگر خواهی بفضل خود او گوید الٰهی تو دانا تری من گناهی نکرده ام آنگاه حکم شود

۵ همه ستایش خدای را که برد از ما اندوه را بیشک پروردگار ما هر آینه بخشنده و قدر شناس است ۱۲

۲ ایمان میان بیم و امید است ۱۲

که نعمتی را از نعمتهای من مقابل عمل او کنید ادنی نعمت از نعمتهای خدا همه اعمال او را فرا گیرد آنگاه آن بنده گوید
الهی بفضل و رحمت خود مرا ببخش و بزار از انس رضی الله عنه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود
دفاتر سه اند یکی دفتر حسنات دوم دفتر سیآت سوم دفتر نعمتهای خدا اگر خدا حکم کند ادنی نعمت همه نیکیها را
درگیرد و گناهان باقی مانند و اگر فضل فرماید گناهان را و نعمتها را ببخشد و حسنات را مضاعف کند

باب سوم در صفت جهنم و عذاب کفار نعوذ بالله منها

طبرانی از عمر بن خطاب رضی الله عنه روایت کرده که جبرئیل نزد آنحضرت صلی الله علیه وسلم آمد متغیر اللون
آنحضرت پرسید که چه حال است گفت نیامده ام نزد تو مگر بعد آنکه حکم فرمود حق تعالی بکلیدهای جهنم یعنی جهنم را
دیده آمده ام فرمود وصف کن برای من آتش را گفت حق تعالی امر کرد تا آتش هزار سال افروختند تا که
سفید شد پس تر هزار سال دیگر افروختند تا که سرخ شد پس تر هزار سال دیگر افروختند تا که سیاه شد پس
آن سیاه و تاریک است روشن نیست شرر آن و کم نمیشود سوزش آن قسم بکسی که ترا فرستاده است
بحق که اگر سوراخی شود از دوزخ بقدر سر سوزن اهل زمین همه بمیرند از گرمی آن و اگر فرشتگان عذاب که در جهنم اند
ظاهر شود کسی از انها بسوی دنیا و اهل زمین او را ببینند همه بمیرند از زشتی روی او و بدبوی او و اگر یک حلقه
از زنجیر دوزخیان که در قرآن مذکور شده نهاده شود بر کوههای دنیا هر آینه فرو رود تا زمین سفلی هرگاه حق تعالی
دوزخ را پیدا کرده دلهای ملائکه از دهشت آن پریدند چون آدم علیه السلام مخلوق شد دلهای ایشان
قرار گرفت در صحیحین است که آنحضرت فرمود که هر چند در دوزخ خلق انداخته شود دوزخ هل من مزید
گوید تا که رب العزت در ان قدم بنهد آن زمان بعضی از ان بسوی بعضی بپیچد و گوید بس بس و دوزخ در زیر زمین
سفلی است یعنی زیر زمین و بهشت بالای آسمان هفتم از وهب بن منبه مرویست که چون قیامت
قائم شود فلق که پوشش سقر است از سقر دور شود و از ان آتشی بر اید و دریا که بر جهنم مطبق است
دجا جز است میان جهنم و هفت طبق زمین در چشم زدن افروخته کنند همانست بحر مسجور
فصل جهنم را هفت درکه است و هفت در است یکی بالای دیگری و برای هر در جماعتی است قسمت کرده شده

اول شان جهنم ست دران عذاب کمترست برای گنهگاران این امت است زیر از ان لظی از ان پست سعیر
از ان پست حطمه زیر آن سقر زیر آن جحیم پست تر هاویه منافقان در درک اسفل باشند از دوزخ مسلمانان
را باید که همیشه از دوزخ بحق سبحانه پناه جویند از مجاهد مرویست که بنده را امر کرده شود که در دوزخ اندازند
دوزخ با هم بپیچد گفته شود که چه حال ست دوزخ گوید که این مرد از من بتو پناه میجست حکم شود که این را
بگذارند بیهقی روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم نمی خفت تا که تبارک و حم سجده
نمی خواند و فرمود که حم ها هفت اند و درهای جهنم هم هفت اند حم سجده از ان روز قیامت
بر دری از درهای جهنم بایستد و بگوید که الهی داخل نشود ازین در کسیکه با من ایمان داشت و مرا می خواند

فصل موکلان جهنم نوزده فرشته اند مالک رئیس آنهاست هزار سال پیش از خلقت جهنم مخلوق شده اند
و هر روز قوت شان زیاده میشود و هر یک از ان آنقدر هست که درمیان دو شانه او صد ساله راه است
در دلهای شان رحمت مخلوق نشده و با هر یک از ان گرز ست و مالک را انگشتان بعدد همه دوزخیان
کسی در دوزخ نیست که مالک او را از یک انگشت خود عذاب نمیکند و قرطبی گفته نوزده سرداراند و موکلان
جهنم بیشمار اند و ویل وادیست در جهنم عمیق که کافر در وی تا چهل سال فرو میرود و پیش ازانکه در قعر او رسد و در روا
که در وی ریم دوزخیان جاریست و صعود کوهیست در جهنم در هفتاد سال جهنمی باعلای آن رسد و باز از انجا
فرو افتد همچنین تا ابد باشد و در روایتی آمده که صعود سنگیست که اگر بر وی دست رسد گداز شود و چون دست بردارد
باز درست میشود و همچنان فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر سنگی بوزن ده درم از لب جهنم انداخته شود
تا هفتاد سال بپایین او نرسد و در نهایت آن غی ست و اثام و آن هر دو نهر اند از ریم دوزخیان و موبق
وادی عمیق ست روز قیامت فاصل باشد درمیان مسلمین و کفار از اهل دوزخ در صحیحین ست که دوزخ شکایت
کرده بسوی پروردگار خود و گفت که از شدت حر بعضی اجزای من بعضی را خورده حکم شده او را بدو دم
دمی بسردی که از سردی او در دنیا سرما میشود و دمی بگرمی که از گرمی او در دنیا گرما میشود

فصل کافران را پارچه از آتش باشد و نیز پیرهنها از مس گداخته شده شدید الحرارة وهب بن منبه میگوید
اهل دوزخ را پوشاک باشد و برهنگی برای شان بهترست از پوشاک و حیات باشد و موت برای شان بهتر باشد

از حیات و برای دوزخیان فرش باشد و لحافها از آتش دوزخیان در زنجیر باشند که هفتاد گز طول آن زنجیر باشد
هر گز از آن هفتاد باع و هر باع مقدار ما بین مکه و کوفه اگر تمام آهن دنیا جمع کرده شود و بیک حلقه زنجیر دوزخیان نرسد
آن زنجیر را از دبر ایشان داخل کرده و از دهن برآورده بر گردن پیچیده شود و حمیم بالای سر کافر ریخته شود و پس بشکم رسد
و فرو ریزد آنچه در شکم باشد در قدمش باز همچنان درست شود و باز حمیم ریخته شود و طعام دوزخیان زقوم
باشد اگر قطره از آن در دریا افتد زندگانی اهل دنیا فاسد کند زقوم درختی باشد از شدت گرسنگی آدمی
از وی بدندان گیرد آن درخت از آدمی همان قدر بگیرد که گیرد و نیز طعام دوزخی ضریع باشد رسول فرمود صلی الله
علیه وسلم ضریع چیزیست در دوزخ مشابه خار تلخ تر از صبر و بدبوتر از جیفه و گرم تر از آتش وقتیکه بخورد
صاحب او نه در شکم فرو رود و نه از دهن برآید گلوگیر باشد نه فربه کند و نه گرسنگی دور سازد و نیز طعام دوزخیان
غسلین باشد یعنی ریم دوزخیان و شراب شان حمیم باشد یعنی آب در غایت گرمی و غساق یعنی آب سرد
سوزی در غایت سردی بود در حدیث آمده که اگر یک دلو غساق در دنیا افتد تمام دنیا بدبو شود و از کعب
مرویست که غساق چشمه ایست در دوزخ که در آن زهرهای تمام جانوران زهردار باشد ایشان را
در آن غوطه داده شود گوشت و پوست از استخوان جدا شده در پای افتد و آنرا مثل پارچه بکشند ترمذی
از ابی الدرداء روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم گرسنگی بر کافر غالب کرده شود بحدی که
برابر همه عذابها باشد پس فریاد کنند و طعام خواهند طعام داده شود که در گلو بسته شود پس یاد کنند که در دنیا
از آب طعام را از گلو فرو می بردند زیاد کنند و آب خواهند پس حمیم بگلوبهای آهنی نزد روهای شان کرده شود
از گرمی آب روی شان بریان شود و چون در شکم داخل شود آنچه در شکم از امعا است قطع کند آنگاه خازنان
دوزخ را گویند دعا کنید از پروردگار که یک روز از ما عذاب کم کند خازنان گویند که رسولان نزد شما نیامده بودند
گویند که آمده بودند خازنان گویند شما دعا کنید و نیست دعای کافران مگر در گمراهی یعنی نا قبول پس مالک را
گویند ای مالک دعا کن که حق تعالی ما را بمیراند مالک بعد هزار سال جواب دهد که شما همیشه در عذاب باشید
آنگاه از حق تعالی دعا کنند ای پروردگار ما بدبختی ما غالب شد و ما قومی گمراه بودیم ما را از دوزخ برآر اگر
باز کفر کنیم ظالم باشیم حق تعالی جواب دهد اخسؤا فیها ولا تکلمون یعنی دور شوید در دوزخ و سخن مگوید آنگاه

در زفیر و حسرت باشند و در روایتی آمده که این جواب بعد مدت عمر دنیا شنوند و در روایتی آمده اهل دوزخ را
پنج دعا باشد اول آنکه گویند ای پروردگار مرده کردی ما را و دوبار زنده کردی ما را دوبار اقرار کردیم بگناهان
خود آیا ما را باشد راهی بسوی برآمدن از دوزخ جواب دهد حق تعالی این عذاب از انست که چون مردم
توحید میکردند شما اعتقاد بشرک میداشتید و شرک میکردید پس حکم مر خدا راست نه دیگری را باز ندا
کنند الهی ما دیدیم و شنیدیم ما را باز بدنیا بفرست تا عمل کنیم نیکو جواب یابند بچشید این عذاب را
شما فراموش کرده بودید این روز را ما شما را فراموش کردیم بچشید عذاب را همیشه بسبب اعمال خود باز
گویند ای پروردگار فرصت ده ما را تا زمانی قریب یعنی اندک در دنیا قبول کنیم دعوت ترا و پیروی کنیم رسولان را
جواب دهد خدا آیا نبودید شما که قسم میخوردید که شما را زوال نباشد باز گویند ای پروردگار ما را از دوزخ برآر
عمل نیک کنیم غیر آنچه عمل میکردیم حق تعالی فرماید آیا عمر نداده بودیم شما را در دنیا آنقدر که دیگران در آن عمر پند
پذیرفتند و آمد نزد شما رسولان ترساننده از عذاب خدا اینک بچشید عذاب ظالمان را کسی مددگار نیست
باز گویند ای پروردگار ما بر ما بدبختی غالب شد و بودیم گمراه ای پروردگار ما ما را برآر پس اگر باز کفر کنیم ظالم
باشیم آنگاه جواب داده شوند اِخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ باز هیچ سخن نگویند رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که در دوزخ مارها باشند مانند گردنهای شتر بختی و کژدمها باشد خردتر شان مثل خچر هرگاه نیش زنند
رنج او تا چهل سال باقی ماند در روایتی آمده که نیش کژدمها مثل درخت طویل از خرما باشد مسلم از ابی هریره
روایت کرده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدن کافر آنقدر فراخ کرده شود که دندان او مثل کوه احد باشد
و پهنی پوست او مسافت سه مرحله راه و بروایتی آمده که مقعد او از مکه تا مدینه و در حدیثی آمده که از بن
نرمه گوش تا دوش کافر هفتصد ساله راه باشد آتش بدن کافر را خورد تا که رسد بر دل او باز بدنش
درست شود و باز همچنان کنند تا ابد معاذ رضی الله عنه گفته که در یک ساعت صد بار جلد کافر سوخته شود
و باز درست گردد عمر رضی الله عنه گفته همچنین از رسول صلی الله علیه وسلم شنیده‌ام و بروایتی در ساعتی
صد و بیست و بار تبدیل جلد شود و بروایتی شش هزار بار و از حسن بصری مرویست که در روزی
هفتاد هزار بار و جمع روایات بتعدد اشخاص کفار میتوان کرد و نیز چون در ساعتی شش هزار بار باشد

مخفی نماند که تکرار این مضمون بنابر [illegible] اهل دوزخ است

در روز که دوازده ساعت باشد هفتاد و دو هزار میشود و باسقاط کسر جمع این دو روایت میشود و از حذیفه مرویست که در جهنم درندگان و سگان و کلوبها و شمشیرها از آتش باشند ملائکه کافران را بدان کلالیب قطع کنند و از آن شمشیرها عضو عضو جدا کرده پیش سباع و سگان بیندازند و هربار که عضوی را ببرند بجای آن عضوی دیگر قائم شود و در حدیثی آمده که آتش روی کفار را آنچنان کند که لب بالا کشیده شود تا نیم سر رسد و لب پایین فرو هشته تا ناف رسد ابن عباس در تفسیر قوله تعالی فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَّلْيَبْكُوا كَثِيرًا میفرماید که دنیا قلیل ست در دنیا هر قدر خواهند بخندند چون دنیا منقطع شود گریه شان منقطع نگردد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دوزخیان گریه کنند تا که آب چشم منقطع شود از آن خون بگریند و در رویهای شان خندقها شوند که اگر کشتیها در آن بگذارند جاری شوند و فرموده که دوزخیان مدتی آب چشم ریزند بستر مدتی ریم گریند پس خازنان جهنم گویند ای بدبختان شما در دنیا نگریستید حالا کسی را فریاد رس دارید آنزمان از اقربای خود که بهشتیان باشند ندا کنند ای جماعهٔ پدران و مادران و فرزندان برآمده ایم از قبور تشنه و در طول موقف تشنه ماندیم و الحال تشنه ایم بریزید بر ما آب یا آنچه خدا بشما داده است بعد چهل سال از انجا جواب یابند که حق تعالی آب وغیره بر کافران حرام کرده است دوزخیان را در دوزخ زفیر و شهیق باشد یعنی آوازی شدید و آوازی ضعیف مثل آواز خر از اهل دوزخ کمتر در عذاب کسی باشد که او را نعلین از آتش باشند که از ان دماغ او جوشد چنانچه دیگ میجوشد داند که کسی از من در عذاب سخت تر نیست حال آنکه او کمتر ست در عذاب عباس رضی الله عنه از رسول صلی الله علیه وسلم پرسید که ابوطالب حمایت تو میکرد او را چیزی نفع کردی فرمود آری او در ضحضاح آتش است اگر من نمی بودم در درک اسفل می بود ضحضاح آبی قلیل را گویند که تا شتالنگ باشد یا کمتر از ان در حدیثی آمده که ابوطالب را نعلین ست از آتش که از ان دماغ او میجوشد

باب چهارم در عذاب گناهگاران از مسلمین

رسول فرمود صلی الله علیه وسلم دوزخیان در آتش نه زنده باشند یعنی بزندگی راحت و نه مرده باشند

وبعضی کسان را آتش بسیار سوزد پس سیاه گردند مثل انگشت شوند پس حکم شود بشفاعت آنها پس آنها را بیرون آورده بر
نهری که بر در بهشت است انداخته شوند و اهل بهشت را حکم شود که بر آنها آب بریزند پس آنها مثل سبزه بر رویند و در حدیث
آمده که گرمی دوزخ برایشان مثل گرمی حمام باشد یعنی در حق بعضی کسان فرموده که بعضی دوزخیان را آتش
تا شتالنگ باشد و بعضی را تا زانو و بعضی را تا سینه و بعضی را تا حلق و بعضی را تا سر و فرموده زنان را که من شما را
اکثر اهل دوزخ دیدم زنی گفت چرا فرمود شما لعنت بسیار میگویید و کفران نعمت شوهران میکنید و نیز در حق زنان
فرموده که آنها بر عطا شکر نمیکنند و بر بلا صبر نمیکنند و فرمود که مردی را آورده در دوزخ انداخته شود پس بیرون آیند امعای
او پس او در آتش گردش کند چنانچه خر گرد آسیا میگردد دوزخیان جمع شوند و بگویند ای فلان چه حالست ترا تو ما را
امر معروف و نهی از منکر میکردی گوید که من شما را امر معروف میکردم و خود آن کار نمیکردم و نهی از
منکر میکردم و خود مرتکب آن بودم و فرموده که سخت تر در عذاب مردی باشد که طلب علم میتواند کرد
طلب علم نکرد و مردی عالم که بعلم خود نفع نگرفت و فرموده که زبانیه جلدی کنند در عذاب قاریان پیش از
(مؤکلان عذاب ١٢)
عذاب بت پرستان آنها گویند که شما در عذاب ما جلدی کردید پیش از بت پرستان آنها را گویند که
عالم مثل جاهل نباشد یعنی معذور نباشد و در حق کسی که قلاده یا گوشواره یا دستبند از زر پوشیده
آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که قلاده و مانند آن از نار باشد علما این حدیث را در حق زنان
منسوخ گفته اند یا تاویل میکنند بعدم ادای زکات و فرموده هر که در ظرف زر یا نقره آب خورده آتش
دوزخ در شکم او آواز کند چنانچه آب در کوزه همچنین هر گاه گریبان جبه از حریر باشد او را طوق از آتش باشد
و آنحضرت فرموده هر که خواب دیدن ظاهر کند و ندیده باشد تکلیف داده شود که در دو جو گره دهد
و نتواند هر که سخن کسی را گوش نهد و او بشنیدن او راضی نباشد در گوش او سرب گداخته ریخته شود
روز قیامت و هر که صورت کشد روح ساز و تکلیف داده شود که در آن روح داخل کند و هر که علم را
پوشیده کند او را لگام از آتش داده شود و هر که دو زبان باشد در دنیا یعنی روبروی شخصی بوضعی بگوید
و غائبانه بوضعی دیگر او را دو زبان باشد از آتش روز قیامت و هر که او در وضو پاشنه خشک مانده باشد
پاشنه او را روز قیامت و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در وضو در انگشتان خلال کنید تا آتش

درمیان شان نیاید و در صحیحین ست که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که هرکه از بلندی خود را انداخته مرده
همیشه در دوزخ در همین عذاب باشد و هرکه زهر خورده مرده همیشه در دوزخ زهر خورده مرده باشد و هرکه
با آهن خود را کشت همیشه آهن او در دست او باشد که در شکم میزده باشد و فرموده هرکه اهل مدینه را
بدی خواهد در آتش گداز چنانچه قلعی گداخته میشود و هرکه غیبت کسی کند گفته شود که بخور گوشت او در حالت
مردگی چنانچه خوردی گوشت او در حالت زندگی پس بخورد و بسیار رنج کشد و در حدیثی آمده که چهار کس
باشند که در جحیم و حمیم بگردند و ویل گویند و اهل دوزخ گویند که اینها کیستند که نزدیکی شان ما را ایذا کرده
زیاده از ایذای نفس خود و او را گویند ای البعد تو ما را ایذا کردی زیاده بر آنچه ما را بود یکی آنکه مال مردم بر گردن
او باشد و ادا نشود و او معلق باشد در تابوت از آتش (یعنی در زندگی ۱۲) دوم آنکه از رسیدن بول بجارچه و بدن پرهیز نکند
او امعای خود در آتش کشد سوم آنکه از سخن بد در مردم لذت گیرد از دهان او ریم جاری باشد چهارم آنکه
غیبت و نمیمه کند او همیشه گوشت خود بخورد و از قیصور بن زاذان مرویست که گفته عالم که از علم خود منتفع نشده
دوزخیان متاذی شوند از بوی بد او و رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که فرجهای زانیان ایذا دهند اهل دوزخ
را از بدبوئی و در صحیحین ست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بدرستی که حق تعالی بر خود لازم گرفته است
آنکه هرکه مسکر خورد او را نوشاند حق تعالی طینت خبال فرمود یعنی افشرده دوزخیان و در حدیثی آمده
که هرکه خمر نوشد خدا او را حمیم جهنم نوشاند و فرمود رسول صلی الله علیه وسلم که مدینه هجرتگاه و خوابگاه منست
واجبست بر امت من گرامی کردن اهل مدینه را تا که پرهیزند از کبائر و کسی که چنین نکند او را حق تعالی
طینت خبال نوشاند و فرمود هرکه در حق مسلمان گوید آنچه در وی نباشد خدا تعالی او را ساکن ردغه خبال
کند تا که بر آید از آن قول و بر نخواهد آمد از آن قول و فرموده که زنان نوحه گر را دو صف کرده بر جانب یمین و یسار
دوزخیان استاده کرده شود پس آواز کرده باشند بر دوزخیان مانند آواز سگان و فرموده که جلادهای
ظالمان سگان دوزخ باشند و در صحیحین آمده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده که سخت تر عذاب مصور را
باشد و در حدیثی آمده که سخت تر عذاب روز قیامت کسی را باشد که انبیا را دشنام دهد پس تر کسی را
که اصحاب مرا دشنام دهد پس تر کسی را که دیگر مسلمانان را دشنام دهد و فرموده که سخت تر عذاب کسی را باشد

۵۱ مراد از آنکه تصویر ذی روح کشد ۱۲

که نبی را قتل کرده یا نبی او را قتل کرده و بادشاه ظالم را و مصوران را و فرموده که سخت تر عذاب روز قیامت
کسی را باشد که مردم را در دنیا عذاب سخت تر میکند و در حدیثی آمده که حق تعالی بعضی مردم را بدخول بهشت
حکم کند چون نزدیک بهشت رسند و خوبی بهشت بینند حکم کند که اینها را از بهشت بازگردانیده بدوزخ اندازند
پس آنها بحسرتی بازگردند که دیگر دوزخیان را آن حسرت نباشد بگویند ای پروردگار اگر ما را از اول
داخل دوزخ میکردی بهتر می بود حق تعالی فرماید که همین خواستم که شما را حسرت دهم شما در خلوت
گناهان عظیم میکردید و بحضور مردم بر خلاف آن میکردید از مردم هیبت میکردید و از من هیبت نمیکردید مردم را
تعظیم میکردید و مرا نمیکردید فعل بد برای مردم ترک میکردید و برای من ترک نمیکردید امروز می چشانم شما را
عذاب الیم و محروم داشتم شما را از ثواب و فرموده که برای استهزا کنندگان با مردم دری از بهشت
گشاده شود و گفته شود یکی را از اینها برای خروج از دوزخ و او با کرب و محنت آید چون نزدیک در رسد در را
بند کرده شود و همیشه همچنین شده باشد تا آنکه چون دروازه گشاده شود و گفته شود که بیا از نا امیدی نیاید
و در حق چند کس در احادیث وارد شده فَلْيَتَبَوَّأْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ یعنی باید که خانه خود در دوزخ
سازد و کسی که بر پیغمبر صلی الله علیه وسلم دانسته دروغ بندد و کسی که دعوی دروغ کند و کسیکه شهادت
دروغ دهد و کسیکه قسم دروغ خورده مال برادر مسلمان خورد و کسیکه دوست دارد آنکه مردم پیش او استاده
باشند و در حدیث وارد شده که گناهگاران سوای امت محمد صلی الله علیه وسلم در دوزخ انداخته شوند
رویهای شان سیاه شود و قیدهای آهنی در پا و طوقها در گردن آنها باشد و گناهگاران امت محمدی صلی الله علیه
وسلم اگر در دوزخ انداخته شوند رویهای شان سیاه نباشد و نه قید در پا و نه طوق در گردن آنها را دیده
مالک گوید که از شما خوب روتر بر من وارد نشده است شما از کدام امت هستید گویند ما از امت قرآن
هستیم از امیر المومنین علی و ابی هریره رضی الله عنهما مرویست که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که اهل کبائر
از موحدان که بدون توبه مرده باشند هر که از اینها داخل دوزخ شود چشمهای شان ازرق نشود و رویهای
شان سیاه نباشد و با شیاطین در یک زنجیر نکرده شوند و طوق در گردن و زنجیر در پا نکرده شوند و حمیم نخورانیده
شوند و قطران نپوشانیده شوند و خلود در آتش آنها را نباشد و صورتهای شان بر آتش حرام کرده بسبب سجود

بعضی آنهارا آتش باشد تا قدم و بعضی را تا پاشنه و بعضی را تا ران و بعضی را تا کمر و بعضی را تا گردن
بقدر گناهان شان بعضی از انها یکساعت و بعضی یکروز و بعضی بقدر یکروز دنیا و بعضی یکماه و بعضی یکسال
در دوزخ باشند بعد ازان ازان خارج کرده شوند و درازتر مدت ماندن شان در دوزخ مثل عمر دنیا باشد یعنی هفت هزار سال

فصل چون خواهد که حق تعالی آنهارا از دوزخ برارد یهود و نصاری و بت پرستان و غیره اهل ادیان
باطله مومنان را گویند که ما و شما در دوزخ برابریم یعنی ایمان شما چه فایده کرد حق تعالی در غضب آید
و مومنان را از دوزخ برارد و بسوی چشمه که درمیان صراط و بهشت ست بفگنند پس آنها مانند سبزه بروینند
پستر داخل بهشت شوند و بر پیشانی شان نوشته باشد جهنمیون عتقاء الله بعد مدتی آن نوشته محو شود
پس حق تعالی فرشتگان را بفرستد باز درهای دوزخ بر کسانیکه باقی مانند یعنی کفار بند کنند و میخها آتشی
بر آنها زنند و احمد از ابی هریره آورده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که بخشش کند الله تعالی بروز قیامت
بر کسانیکه عمل نیک گاهی نکرده اند پس برارد آنهارا از دوزخ بعد سوخته شدن پس داخل بهشت کند برحمت
خود بعد شفاعت شفاعت کنندگان و بزار از ابن عمر روایت کرده که گفته بر آتش وقتی آید که بادها درها
آنرا در حرکت درارد و کسی دران نباشد شیخ محی الدین عربی ازین حدیث موقوف میگوید که بعد مدتهای دراز
در دوزخ کفار هم باقی نمانند و مراد از خلود آنها مکث طویل ست لیکن این قول مخالف نصوص قطعیه و اجماع ست
و علما این حدیث را تاویل میکنند و میگویند که جای عاصیان مومنان که طبقه علیا ست از دوزخ خالی شود
و کسی از موحدان دران نماند طبرانی از انس و از جابر بسند صحیح آورده که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم
که مردان از امت من بسبب گناهان عذاب کرده شوند تا وقتیکه خدا خواهد پستر عار دهند آنهارا کفار که
شمارا تصدیق رسول هیچ نفع نکرد پس حق تعالی بفرماید که برارند هر کرا که باشد مسلمان آنزمان کافران
آرزو کنند که کاشکی مسلمان بودمی آنحضرت این آیت خواند ربما یود الذین کفروا لو کانوا
مسلمین حاصل آنکه مسلمانان را در دوزخ خلود نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هرکه
لا اله الا الله گوید و بر همین اعتقاد بمیرد البته داخل بهشت شود ابو ذر گفته که اگرچه زنا
کرده یا سرقه کرده باشد آنحضرت فرمود اگرچه زنا و سرقه کرده باشد باز ابو ذر همان گفته باز آنحضرت

همان فرموده و در مرتبهٔ سوم گفته علی رغم انف ابی ذر فرموده هر که بمیرد در حالیکه شرک نکرده باشد داخل بهشت شود و هر که بمیرد و مشرک باشد داخل دوزخ شود احادیث درین باب بسیار اند زیاده از حد تواتر و در بعضی احادیث وارد شده که هر که شهادت دهد بتوحید و برسالت محمد صلی الله علیه وسلم حق تعالی آتش دوزخ بروی حرام کرده مراد آنست که آتش مؤبده وخلود در دوزخ بروی حرام است بدلیل دیگر احادیث که در عذاب گناهگاران از مسلمین وارد شده وانچه ابن حبان از ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که هر که لا اله الا الله گفت نفع خواهد کرد او را روزی از دهر پیش ازان انچه او را رسد و ترمذی وحاکم از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که حق تعالی بفرماید که از آتش برارید کسی را که روزی مرا یاد کرده و جائی از من ترسیده باشد

فصل در صحیحین از ابن عمر مرویست چون بهشتیان تمام داخل بهشت شوند وهمه دوزخیان یعنی کفار در دوزخ مانند استاده شود بانگ دهنده درمیان شان و آواز کند ای اهل دوزخ موت نیست وای اهل بهشت موت نیست هر یک در انچه هست همیشه باشد وهم در صحیحین ست از ابن عمر وابی سعید خدری که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که وقتیکه همه بهشتیان در بهشت شوند و دوزخیان در دوزخ مانند موت را بصورت کبش سیاه درمیان دوزخ وبهشت آورده شود وگفته شود ای اهل بهشت وای اهل دوزخ موت را میشناسید هر یک گردن دراز کند وببیند وگوید آری این موتست پس او را ذبح کرده شود وگفته شود ای اهل بهشت خلود است وای اهل دوزخ خلود است موت نباشد رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که اگر اهل دوزخ را گفته شود که شما در دوزخ باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر اینه خوش شوند واگر اهل بهشت را گفته شود که شما در بهشت باشید عدد سنگریزهٔ دنیا هر اینه غمگین شوند لیکن برای انها خلود است ابداً

از ابن مسعود مرویست که چون باقی ماند کسیکه در دوزخ مخلد باشد آنها را در صندوقهای آهنی کرده وبران میخهای آهنی زده وآن صندوقها را در صندوقهای دیگر آهنی کرده انداخته شوند پایین تر دوزخ پس هر یک ازانها داند که غیر او کسی دیگر در عذاب نیست وهم از ابن مسعود مرویست که منافقان را در صندوقهای آهنی کرده در درک اسفل دوزخ در تنورها تنگ تر از میخ که کوفته شود وتیره کرده شود وآنرا جب الحزن گویند

۵ رفاک آکرده شدن یعنی ابی ذر کہ ... فہرست
۳ ۵ ای بدلیل الخ ابن حبان الخ ۱۲

۴ در درک اسفل ... ۴ جب الحزن

باب پنجم در صفت جنت و در دخول بهشت و نعمتهای بهشت

دخول بهشت محض بفضل خداست جل و علا در صحیحین از عایشه صدیقه مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه و سلم محکم گیرید کار خود را و نزدیکی جویید بخدا و خوش باشید بدرستی که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او گفتند یا رسول الله و نه ترا فرمود و نه مرا مگر آنکه بپوشد مرا حق تعالی بمغفرت و رحمت خود و در صحیح مسلم از جابر مرویست که آنحضرت فرموده که داخل بهشت نخواهد کرد کسی را عمل او و نه خلاص خواهد کرد کسی را از دوزخ عمل او و نه مرا مگر رحمت از خدا اینچنین در احادیث بسیار آمده و این سخن مشکل میشود بقوله تعالی ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ یعنی داخل شوید بهشت را بسبب اعمال خود جواب داده میشود بدانکه اصل دخول جنت و خلود در ان بفضل خداست چراکه خلود غیر متناهی ست و اعمال متناهی ست و تفاوت درجات جنت بسبب اعمال ست فقط و از ابن مسعود روایت کرده که خواهند گذشت مردم از صراط بعفو خدا و داخل بهشت خواهند شد برحمت خدا و تقسیم خواهند کرد منازل را در بهشت باعمال خود فقیر گوید که چون حق سبحانه تعالی اعمال محقر بندگان را برحمت خود قبول فرموده و جزای اعمال محقر متناهی را دخول جنت و ثواب غیر متناهی مقرر فرموده بعد از ان اگر گفته شود که دخول جنت جزای عمل است گنجایش دارد و اگر گفته شود که دخول جنت برحمت خداست هم گنجایش دارد طبرانی و بیهقی از سلمان فارسی از آنحضرت روایت کرده که هر کسی را حکم شود بدخول جنت چیتی از حضور عنایت شود با این عبارت لفظ هندی ۱۲

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ هٰذَا كِتَابٌ مِّنَ اللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَكِيْمِ لِفُلَانٍ اَدْخِلُوْهُ جَنَّةً عَالِيَةً قُطُوْفُهَا دَانِيَةٌ یعنی این خط از الله عزیز حکیم ست برای فلان که او را داخل کنید بهشت عالی را که ثمرهٔ آن نزدیک ست و چون مردم داخل بهشت شوند خازنان بهشت گویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوْهَا خَالِدِيْنَ و از هر در فرشته بیایند و بگویند سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ بهشتیان گویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ صَدَقَنَا وَعْدَهٗ وَاَوْرَثَنَا الْاَرْضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ و بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِيْ هَدَانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ

راست کرد ما را وعده خود و عطا کرد ما را زمین جا میگیریم از بهشت هر جا که خواهیم ۱۲

سپاس آن خدا را ست که

دلالت کرد ما را بسوی این بهشت و هرگز راه یافتن نبودیم ۱۲

لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّٰهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ[1] و بگویند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُوْرٌ شَکُوْرٌ[2] و چون مردم داخل بهشت شوند اول طعام شان زیادت جگر ماهی باشد

فصل در صفت جنت وعده آن حق تعالی در قرآن میفرماید وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ جَنَّتٰنِ

و باز فرموده وَمِنْ دُوْنِهِمَا جَنَّتٰنِ یعنی هرکه خوف کند از استادن پیش پروردگار خود برای آنها دو بهشت ست و پایین‌تر ازانها دو بهشت دیگر اند در صحیحین و غیرهما از ابی موسی اشعری مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که بهشت چهار اند دو از نقره است عمارتها و آنچه درانست از نقره است و دو از زر است عمارتها و آنچه درانست از زر است و نباشد درمیان قوم و رویت خدا مگر پرده کبریا در جنت عدن دو بهشت از برای سابقین است و دو بهشت نقره برای تابعین است و بروایتی برای اصحاب یمین قرطبی گفته بعضی علما گفته اند جنات هفت اند دار الجلال دار السلام دار الخلد جنت عدن جنة الماوی جنت نعیم فردوس و بعضی علما گفته اند که چهار اند چنانچه حدیث ابی موسی دلالت دارد و از سیاق سوره رحمن مستفاد میشود و این همه نامها هر چهار بهشت راست و در بهشت درجات و منازل بیشمار اند در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هرکه ایمان آورد بخدا و رسول او صلی الله علیه وسلم و نماز گزارد و زکات دهد و روزه رمضان گزارد حق است بر خدا که او را داخل بهشت کند در راه خدا جهاد کند یا در خانه خود نشسته باشد یعنی فرایض ادا کند و جهاد فرض عین نیست غالبا مردم گفتند یا رسول الله خبر ندهیم مردم را بدان فرمود که در بهشت صد درجه است که مهیا کرده است حق تعالی آن درجات را برای مجاهدین فی سبیل الله میان هر درجه آنقدر تفاوت است که درمیان آسمان و زمین ست پس چون سوال کنید از حق تعالی سوال کنید فردوس را که بهتر جنت است و بالای آن عرش رحمن است و ازانجا نهرهای بهشت میشگافد ازین حدیث معلوم میشود که صد درجه مجاهدین فی سبیل الله راست و برای دیگر اهل حسنات دیگر درجات باشند و در دیگر احادیث آمده از معاذ و عباده بن الصامت رضی الله عنهما که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم بهشت را صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین ست و فردوس اعلی از همه است شاید که مراد ازین احادیث درجات مجاهدین باشد

[1] اگر راه ننمودی ما را خدا هرآینه آمدند فرستادگان پروردگار ما براستی ۱۲

[2] همه ستایش خدای راست که دور کرد از ما اندوه را هرآینه پروردگار ما آمرزنده قدرشناس ست ۱۲ فتح الرحمن ۱۲

و در حدیثی آمده که هر که یک تیر بسوی دشمن خدا اندازد حق تعالی درجه او بلند کند در میان دو درجه صد ساله راه باشد
و در حدیثی آمده که در بهشت صد درجه است میان هر دو درجه تفاوت آسمان و زمین ست و در درجه اول خانها
و تختها و درها و دیوارها و قفلها از نقره است و در درجه ثانیه آن همه از زرست و در درجه سوم همه آن از یاقوت
و مروارید و زبرجد ست و نود و هفت درجه بقسمی ست که نمیدانند آنرا جز حق تعالی و مسلم از ابی هریره روایت
کرده که آنحضرت فرمود آیا خبر دار نکنم شما را بر آنچه دور کند خطا یا و بلند کند درجات گفتند بلی فرمود اسباغ
وضو بر مکاره یعنی در حالت ناخوش آمدن استعمال آب وضو بخوبی کند و دور رفتن بمسجد ها و انتظار نماز بعد نماز
همین ست رباط و بیهقی از عایشه روایت کرده که آنحضرت فرمود که درجات بهشت بعدد آیتهای قرآن ست
پس هر که داخل شود در بهشت از اهل قرآن بالای او درجه نباشد یعنی هر که تمام برکات قرآن گیرد تمام درجات
را در گیرد و این حدیث را بر آن حمل نباید کرد که درجات بهشت شش هزار و ششصد و شصت و شش ست
بعدد آیات قرآن بلکه حمل بر آن باید کرد که هر قدر که آیات قرآن را تکرار کند برای او درجات بهشت بیفزاید
اصحاب سنن و ابن حبان از ابن عمر روایت کرده که آنحضرت فرمود صاحب قرآن را گفته شود که قرآن بخوان
و ترقی کن و ترتیل کن چنانچه ترتیل میکردی در دنیا و در حدیثی آمده که مردی در بهشت نظر بفوق کند نوری
از فوق درخشد که بصر او را خیره کند بگوید که این چیست گفته شود که این نور برادر تست فلان گوید که من و
او در دنیا باهم بودیم و عمل میکردیم و اینقدر او را بر من فضل چرا شد گفته شود که او از تو در عمل افضل بود
حق تعالی در دل او رضا داد حسد نکند و در حدیثی سبب افضلیت مذکور شده که آنها گرسنگی کشیدند
و شما سیر بودید و آنها تشنگی می برداشتند و شما سیراب میشدید و آنها شبها بیداری میکردند و شما خواب
میکردید و در حدیثی آمده که نزد خدا درجه ایست که تا آنجا بعمل نتوان رسید حق تعالی بنده را مبتلا کند
تا آنجا رسد و آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درجه ایست که نمیرسد آنرا مگر اصحاب هموم و فرمود
در بهشت درجه ایست که نرسد آنرا مگر سه کس بادشاه عادل و ذو رحم وصل کننده و عیالدار صابر
فصل حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ
وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ یعنی کسانیکه ایمان آوردند یعنی ایمان کامل و تبعیت کردند آنرا

رباط بالکسر [illegible] ۱۲ منتخب اللغات

اولاد آنها با ایمان یعنی آنها مومن هم هستند لاحق کنیم با آنها اولاد آنها را و از عمل شان چیزی کم نکنیم
آنحضرت فرموده صلی الله علیه وسلم که حق تعالی ذریت مسلمان را بدرجهٔ او رساند برای سرور دی چشم او
و در حدیثی آمده که چون مردی داخل بهشت شود از مادر و پدر و فرزندان خود بپرسد گفته شود که آنها بدرجهٔ
تو نرسیده اند و مثل تو عمل نکرده اند گوید ای پروردگار من آنچه عمل کرده ام برای خود و برای آنها کرده ام
پس امر شود بالحاق آنها و فرموده که هرکه بلندی درجات خواهد باید که عفو کند کسی را که بروی ظلم کرده
و بدهد کسی را که او را محروم کرده و وصل کند با کسی که از وی قطع کند و فرموده هرکه برساند بسوی پادشاه
برادری را برای جلب نفع یا دفع ضرر خدا درجات او بلند کند و فرموده که هرکه کهانت کند یا فال از پرنده
گیرد و از سفر باز ماند بدرجات بلند نرسد و ابراهیم تیمی گفته که هر شخص هر قدر که در دنیا از طعام یا شراب
حظ بردارد در آخرت درجهٔ او کم شود فقیر گوید که این قول محمول بر اسراف است و گرنه در حدیث آمده
الطَّاعِمُ الشَّاكِرُ كَالصَّائِمِ الصَّابِرِ ابن عمر گفته که شخصی با غلام خود داخل بهشت شود و درجهٔ غلام
بلند باشد بگوید ای پروردگار این غلام من بود در دنیا گفته شود که این ذکر خدا بیشتر از تو کرده طبرانی از
ابی هریره روایت کرده که آنحضرت فرموده که روز قیامت حق تعالی ندا کناند که من نسب مقرر کرده بودم
و شما نسب دیگر گفتید من متقی را اکرم ساختم و شما این معنی نه پسندیدید و گفتید که فلان بن فلان از فلان
بن فلان بهتر است امروز نسب مقرر کردهٔ خود را بلند کنم و نسب شما را پست سازم متقیان کجا اند یعنی
مرتبهٔ متقیان بقدر تقوی بلند شود و در حدیثی آمده که دو دو کس در راه خدا هم صحبت باشند و اعمال صالحه کنند
غنی و فقیر صحیح و مریض حر و مملوک نیک خلق و بدخلق حق تعالی مرتبهٔ صحیح بر مریض و حر بر مملوک و
غنی بر فقیر و نیک خلق بر بدخلق برتر کند فقیر و مریض و مملوک و بدخلق گویند الهی ما با هم در راه تو هم صحبت
بودیم و عمل صالح میکردیم اینها را بر ما چرا فضیلت دادی گفته شود که غنی مال خود در راه خدا خرج کرده
و صحیح و حر از مریض و مملوک در اعمال صالحه زیادتی کرده اند و نیک خلق را بسبب حسن خلق فضیلت شده
فقیر گوید که الهی اگر مرا مال میدادی من هم در راه تو خرج میکردم و مریض و مملوک گویند الهی اگر مرا صحیح و مرا حر میکردی همچنان
عمل میکردم حق تعالی فرماید که راست گفته اید پس فقیر را با غنی و مریض را با صحیح و مملوک را با حر در مرتبهٔ او شود و بدخلق را هیچ جواب نباید

خورنده سپاس گزار مانند روزه دار صبر کننده است

فصل بهشت را هشت دروازه باشد نمازیان را از باب الصلوة و صائمان را از باب الصوم
صدقه دهندگان را از باب الصدقه و مجاهدان را از باب الجهاد طلبیده شود ابوبکر گفت یا رسول الله
از هر دری که طلبیده شود خوب است لیکن کسی باشد که از همه دروازها او را طلبیده شود فرمود امیدوارم
که تو از آن مردم باشی قرطبی گفته از همه درها طلبیدن بنا بر اکرام است در حدیثی آمده که انسان هر
عمل که بیشتر کند بهمان در طلبیده شود در حدیث آمده که هر که بعد وضو اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهٗ
لَا شَرِیْکَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهٗ وَرَسُوْلُهٗ گوید هشت دروازهٔ بهشت برای او کشاده شود
از هر چه خواهد داخل شود و فرموده که هر که نماز پنجگانه و روزهٔ رمضان کند و زکات دهد و از هفت کبیره
پرهیزد هشت دروازهٔ بهشت برای او کشاده شود و بشارت بکشادن هشت دروازهٔ بهشت
وارد شده در حق کسی که سه فرزند طفل او را مرده باشند و در حق کسی که تشنه را آب دهد و گرسنه را
از طعام سیر کند و در حق زنی که تقوی کند و محافظت فرج خود و متابعت زوج خود کند و در حق کسی که
چهل حدیث یاد کند که مردم را نفع دهد در حق کسی که اولاد و دختر یا دو خواهر یا دو عمه باشد آنها را پرورش کند

فصل رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که دیوارهای بهشت را خشتی از زر و خشتی از سیم و بجای گل
مشک باشد و سنگریزهای آن مروارید و یاقوت و خاک آن زعفران هر که داخل بهشت شود همیشه
خوش باشد ناخوش نشود و همیشه باشد نمیرد و پارچه او کهنه نشود و جوانی او زائل نگردد و نهرهای بهشت
در غار نروند بالای زمین روند در میان دو بازوی دروازهٔ بهشت چهل ساله راه باشد روزی چنان ازدحام
شود که مردم پهلو به پهلو زنند و تنگ باشند و در صحیحین است که داخل بهشت شوند از امت من هفتاد هزار
یا هفت لک راوی شک کرده داخل شوند برابر دست بدست گرفته روی شان مانند ماه شب چهاردهم باشد

فصل در بهشت غرفها باشند بلند از جواهر شفاف که ظاهر آن از باطن و باطن آن از ظاهر دیده شود
اهل بهشت اهل غرفها را بینند بالای خود چنانچه ستاره دور در افق مشرق یا مغرب دیده شود برای
تفاضل که در میان شان باشد گفتند یا رسول الله آن منازل انبیا را باشد دیگران تا آنجا نرسند
فرمود قسم بخدا که آن منازل مردان را باشد که ایمان آورده باشند بخدا و تصدیق کرده باشند پیغمبر را

و در حدیثی آمده که غرفها برای کسان باشد که با هر یک کلام نیکو بنرمی گویند و مردم را طعام خورانند و شبها
نماز گزارند در حالیکه مردم خفته باشند و در حدیثی آمده و با هر یک سلام گویند و در حدیثی آمده و روزها
متصل دارند و در حدیثی آمده کسی که برادر خود سلام گوید و سلام دهنده را جواب سلام گوید او گویا
افشای سلام کرده و کسیکه اهل و عیال خود را از طعام سیر کرده پس اطعام طعام کرده و هر که ماه رمضان
و سه روز از هر ماه روزه داشت گویا همیشه روزه داشت و هر که نماز عشا و فجر بجماعت خواند و نماز خواند
در شب در حالیکه مردم یعنی کافران در خواب باشند این سخن رسول کریم فرمود مردی را که گفت یا رسول الله
کرا طاقت ست که افشای سلام و اطعام طعام و دوام صیام و قیام لیل کند والناس نیام و حاصل آنکه
اگر زیاده طاقت نباشد اینقدر هم کافیست اگر فضل الهی شامل حال ست و در حدیثی آمده که حق تعالی غرفها
بهشت مهیا کرده است برای کسانیکه برای خدا دوستی دارند و ملاقاتها نمایند و انچه خرج کنند برای خدا کنند
در حدیثی آمده که غرفهای بهشت را نه علاقه باشد از فوق و نه ستون باشد از تحت مردم گفتند
پس چگونه آنجا رسند فرمود مانند پرنده پریده رسنده باشند آن غرفها صاحب بیماریها و صاحب دردها و بلاها را
و از عمران بن حصین و ابی هریره مرویست که از آن حضرت احوال مَسٰكِنَ طَيِّبَةً فِيْ جَنّٰتِ عَدْنٍ
پرسیده شد فرمود قصر باشد از مروارید در آن قصر هفتاد خانه باشند از یاقوت سرخ در هر خانه هفتاد حجره
باشد از زمرد سبز در هر حجره هفتاد تخت باشند بر هر تخت هفتاد فرش باشد رنگارنگ بر هر فرش زوجه
از حور و در هر حجره هفتاد خوان بر هر خوان هفتاد رنگ طعام و در هر خانه هفتاد غلام و هفتاد کنیز و مسلمانرا
قوت جماع آنقدر باشد که با همه زوجات جماع کند و در احادیث اعمال صالحه که سبب بنای خانه
در بهشت باشند بسیار مذکور شده اند از انجمله بنا کردن مسجد و مواظبت بر سنن رواتب و نماز ضحی
و چهارگانه پیش از عصر و ده رکعت خواندن درمیان مغرب و عشا و سوره دخان خواندن شب جمعه و
روز جمعه و روزه داشتن چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه و در حدیث آمده که هر که وقت داخل شدن
بازار گوید اَشْهَدُ اَنْ لَّا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيْكَ لَهٗ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِيْ
وَيُمِيْتُ وَهُوَ حَيٌّ لَّا يَمُوْتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ نوشته شود برای او هزار هزار حسنه

اعمال صالحه که سبب بنای خانه در بهشت باشند

دور کرده شود از وی هزار در هزار گناه و بنا کرده شود خانه در بهشت و آنحضرت فرموده که هر که ده بار سورهٔ اخلاص
خواند یکخانه برای او در بهشت بنا کرده شود و اگر بیست بار خواند دو خانه و اگر سی بار خواند سه خانه عمر گفت یا
رسول الله درین صورت بسیار خانها در بهشت کنیم فرمود که فضل خدا فراخ ترست طبرانی از حکیم بن محمد
روایت کرده که بسبب ذکر خدا بنا در بهشت میشود چون شخص از ذکر بند میشود از بنا کردن بند میشوند
پس گفته شود آنها را که چرا باز ماندید از بنا گویند تا که بار النفقه رسد و همچنین از علی بن ابو نعیم روایت کرده و
در حدیثی آمده هر کرا پسر بمرد و او صبر کرد و حمد گفت و اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّآ اِلَیْهِ رَاجِعُوْنَ گفت حکم شود که بنا کنند
برای بندهٔ من خانه در بهشت و نام نهند آن خانه را بیت الحمد و فرمود که هر که در صف نماز یا صف قتال فرجه
بند کند حق تعالی درجهٔ او بلند کند و بنا کند برای او خانه در بهشت و فرمود هر که دروغگوئی ترک کند خانهٔ او بکسو
در بهشت بنا شود و هر که ترک کند جدال را و محق باشد بنا کند خدا برای او خانه در میانهٔ بهشت و هر کرا
خلق حسن باشد در اعلی بهشت خانهٔ او باشد و فرمود هر که در رمضان نماز خواند بهر سجده هزار حسنه نوشته شود
و خانه در بهشت بنا شود از یاقوت سرخ و فرمود هر که قبر مسلمانی کند خانهٔ او در بهشت بنا شود

فصل بوی بهشت از پانصد ساله راه رسد و در بعضی احادیث آمده از هفتاد ساله راه و در بعضی
پانصد و هفتاد ساله راه و در حدیثی آمده از هزار ساله راه رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که ذمی را کشت
او را بوی بهشت نرسد و همچنین وارد شده در حق کسی که رعیت خود را رعایت و پرورش نکند و در حق کسی که
خود را بغیر پدر خود نسبت کند و در حق کسی که منت نهد بعمل خود و کسیکه نافرمانی والدین کند و کسی که مدمن
خمر باشد و کسیکه قطع رحم کند و کسیکه در پیری زنا کند و کسیکه بتکبر ازار خود بر زمین کشد و کسیکه خضاب
سیاه کند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم مردی که در دل او مقدار
دانهٔ خردل کبر باشد حلال نیست او را که بوی بهشت بوی رسد یا بهشت را ببیند

فصل در صحیحین از ابی هریره مرویست که رسول فرمود صلی الله علیه وسلم که درختان بهشت آنچنان
باشند که اگر در سایهٔ او سوار صد ساله راه رود سایهٔ او را قطع نکند و ترمذی از اسماء بنت ابی بکر از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در ذکر سدرة المنتهی فرموده که سیر کند سوار در سایهٔ یک شاخ وی صد ساله راه

سدرة المنتهی بالکسر درختی کنار است در آسمان ...

و دران پروانهای زر باشند و ثمر آن مثل قلها باشند و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم طوبی درخت در بهشت صد ساله راه پارچه پوشاک بهشتیان ازان براید و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم درختی در بهشت نباشد مگر آنکه تنه او از زر باشد و از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که نخله بهشت را تنه زمرد سبز و شاخهای آن طلای سرخ و برگ آن پوشاک اهل بهشت قطعی و پیم حللها و ثمر آن مثل قلّه سفید از شیر و شیرین تر از عسل و نرم تر از زبد و نباشد او را هسته سلمان فارسی رضی الله عنه چوبی خرد در دست گرفت و گفت اگر در بهشت اینقدر چوب طلب کنی نیابی مردم گفتند که آنجا نخل و شجر باشند فرمود که بیخ و تنه آن از مروارید و زر باشند و بالای آن ثمر باشد یک اعرابی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم گفت یا رسول الله در بهشت درختی مذکور شده که ایذا میکند صاحب خود را فرمود آن چیست گفت سدره فرمود حق تعالی میفرماید فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ یعنی قطع کرده شده قطع کند حق تعالی خار او را بجای هر خار ثمره باشد از هر ثمره هفتاد و دو رنگ براید که مشابه یکدگر نباشد و ثمره درختان بقسمی باشد که استاده و نشسته و بر زمین خفته بهر حال میوه آن گرفت مجاهد رضی الله عنه گفته که زمین بهشت از نقره باشد و خاک او از مشک و درختان از زر و نقره و شاخها از مروارید و زمرد و ثمرها بقسمی که استاده و نشسته و خفته آن را بگیرد و مسروق رضی الله عنه گفته که جنت هرگاه شکسته شود بجای آن دیگر قائم شود و ابی هریره گفته که سدره بهشت را طوبی گویند حق سبحانه بشگافد برای بنده صالح من هر چه خواهد پس بشگافد ازان اسپ مع زین و لگام چنانچه خواهد و شتر با رحل و مهار بقسمی که خواهد و براید پارچه آنچه خواهد و در احادیث وارد شده که هر که سُبْحَانَ اللهِ گوید برای او درختی در بهشت نشانده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابو هریره رضی الله عنه را دید درختی می نشاند فرمود که دلالت کنم من ترا بر درختی بهتر ازین گفت آن چیست فرمود سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ بهر کلمه ازین درختی برای تو نشانیده شود رسول صلی الله علیه وسلم ابراهیم علیه السلام را در خواب دید گفت یا محمد امت خود را از من سلام بگو و خبر ده که بهشت خاک ست و شیرین آب و آن بی درخت ست درختهای آن لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَاللهُ أَكْبَرُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ ست و آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که نزد ختم قرآن

درخت در بهشت نشانده شود و از ابن عباس رضی الله عنه گفته که هر که برای کار نیک و دیر و جانوران
زمین و دریا رحمت فرستند و بهر قدم در بهشت درختی نشانده شود و گناهان او بخشیده شود و حق تعالی
میفرماید فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ وَفَوَاكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ لَا مَقْطُوعَةٍ
وَلَا مَمْنُوعَةٍ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ ابن عباس رضی الله عنه
گفته که در دنیا از ثمرهای بهشت نیست مگر نام و گفته هر چه در دنیا از ثمره هست شیرین و تلخ تا که حنظل در بهشت هم هست
یعنی صورتها هر یک فنا مهاد در بهشت باشند لیکن در حقیقت و لذت چیزی دیگر باشد و ثمره بهشت را دوازده گز طول باشد و خسته نباشد
فصل حق تعالی میفرماید وَأَمْدَدْنَاهُمْ بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ رسول فرمود صلی الله علیه و سلم
بدرستیکه تو بینی پرنده در بهشت و رغبت کنی در خوردن آن بیفتد پیش تو بریان شده و از ابی امامه گفته
مردی در بهشت رغبت طیری کند افتد پیش او مثل شتر بختی رسیده بوی دود و نه آتش پس تر از آن بخورد
تا که سیر شود باز آن پرنده بپرد رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اهل بهشت طعام خورند و بنوشند و بول نکنند
و آب دهن و آب بینی نیندازند طعامیکه خورند از آروغ و عرق بیرون رود و بوی آن مثل بوی مشک
باشد و فرمود مردی را در بهشت در خوردن و نوشیدن و جماع کردن قوت صد مرد باشد و
فرمود که مومنان را از طرف خدا هدایا آیند در او قاتی که نمازها میخواندند و فرشتگان بر ایشان سلام گویند
فصل در بهشت نهرها باشد از آب و از شیر که متغیر نشود و از خمر و از عسل و چشمه باشد سلسبیل نام که
زید الجریان باشد و چشمه باشد کافور نام و چشمه باشد زنجبیل نام و چشمه باشد تسنیم نام که بهترین
نهرهای بهشت است صرف از آن مقربان خورند و دیگران را از آن خلطی شود و حق تعالی میفرماید و
مِزَاجُهُ مِنْ تَسْنِيمٍ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ رسول فرمود صلی الله علیه و سلم که
نهرهای بهشت از کوه مشک بر آیند و فرموده که نهرهای بهشت در غار نروند بر روی زمین روند کنار
آن از مروارید و خاک آن از مشک باشد و از ابن عباس رضی الله عنه مرویست که در بهشت
باغیست که آنرا ابیدح گویند بر وی قبها باشند از یاقوت زیر آن دختران باشند رویده مردم
اهل بهشت سیر آنجا آیند و آن دختران را ببینند اگر دختری کسی را خوش آید دست خود بوی رساند

آن دختر همراه او شود و بجای او دختری دیگر بر دید و در حق نهرهای بهشت حق تعالی میفرماید
يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا یعنی اهل بهشت هر جا که خواهند آن نهرها را آنجا برند با اهل بهشت قضیبها
از زر از آن قضیبها اشاره کنند همراه آن قضیبها نهرها جاری شوند احمد از ابی سعید خدری روایت
کرد آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که هر که مسلمانرا در تشنگی آب خوراند حق تعالی او را از رحیق مختوم بخوراند
و رحیق مختوم عبارت از خمریست که در آخر آن لذت و بوی مشک باشد و از خمر بهشت صداع نشود
چنانچه در قرآنست و عقل زائل نگردد و چون اهل بهشت را رغبت شراب شود بدست او آن قدر داده شود
که نه زیاده باشد از خواهش او نه کم و فرمود که هر که در دنیا خمر خورد و توبه نکند در آخرت از آن محروم باشد
اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که خمر خورد در دنیا یا بچه صغیر را خوراند او را حق تعالی حمیم جهنم
خوراند و هر که بخوف خدا خمر را ترک دهد با وجود قدرت بران او را در حظیرة القدس خورانیده شود و در حدیث
وارد شده که در بهشت درخت باشد که از آن لباس بهشتیان براید اگر خواهد سفید و اگر خواهد سرخ و اگر خواهد
سبز و اگر خواهد سیاه و اگر خواهد زرد و بار یکتر و خوبتر ابن ابی حاتم از کعب احبار آورده که اگر پارچه بهشت را کسی
در دنیا پوشد چشمها دیدن آنرا تحمل نشوند هر که آنرا ببیند بیهوش شود و بمیرد و صاحب لباب از عکرمه روایت کرده
که لباس بهشتی در یک ساعت هفتاد رنگ تبدیل شود و در صحیحین مرویست که آنحضرت فرموده هر که حریر در دنیا پوشد
در آخرت نپوشد اگرچه داخل بهشت شود و فرموده که هر که در دنیا در ظرف زر یا نقره خورد در آخرت از آن نخورد
فصل در صحیحین است که مومن را از زیور پوشانیده شود تا جائیکه آب وضو آنجا رسیده و حاکم و ترمذی و غیره
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که بهشتیان را تاج باشد که ادنی مروارید آن مابین مشرق و مغرب روشن سازد
و آنحضرت فرموده که هر که مرده را کفن دهد او را از سندس و استبرق بهشت پوشانیده شود و فرموده هر که
مصیبت زده را تعزیت کند حق تعالی او را دو حله پوشاند که تمام دنیا بقیمت آن نرسد و فرموده که هر که
ترک لباس زینت کند بتواضع با وجود قدرت حق تعالی او را بر سر خلائق طلب کند و مختار سازد از حلهای
ایمان هر چه خواهد پوشد مفسران گفته اند که کسی از اهل بهشت نباشد مگر آنکه او را سه دست بند باشد
یکی از زر دوم از نقره سوم از مروارید از کعب احبار مرویست که حق تعالی فرشته پیدا کرده است که از روز

پیدایش خود تا روز قیامت زیور بهشتیان تیار میکنند از سعید بن جبیر در تفسیر قوله تعالی بطائنها
من استبرق یعنی فرشهای بهشتیان را استر از استبرق باشد مرویست که گفته که ظاهر آن یعنی ابرهای شان از نور جامد باشد
فصل متکئین فیها علی الارائک یعنی تکیه زده بر اریکها بنشینند اریکه را در هندی چهپرکهت گویند
که در زیر آن تخت یعنی چهارپایی باشد و بالای آن حجله باشد مجاهد گفته اریکها باشند از مروارید و یاقوت
ونمارق مصفوفة یعنی تکیها باهم صف بسته از ابن عباس مرویست که خیمه از مروارید مجوف باشد
فرسخ در فرسخ چهار هزار تخته از زر در آن باشد متقابلین یعنی اهل بهشت رو برو بنشینند بعضی بعضی را
پشت ندهد و در صحیحین از ابی موسی اشعری از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که خیمه یکی مروارید مجوف باشد
که شصت کروه عرض آن باشد در هر گوشه از آن اهل خانه باشند برای مومن که دیگر اهل خانه را نبینند و آن مومن بر همه آنها بگذرد
فصل در صحیحین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم مرویست که هر کس را در بهشت دو زوجه باشد و ترمذی بسند صحیح از انس
از آنحضرت روایت کرده که تزویج کرده شود مومن هفتاد زوجه گفتند یا رسول الله قوت هفتاد زن داشته باشد
فرمود که قوت صد زن داده شود و ابن عساکر و ابن السکن از حاطب بن ابی بلتعه و احمد و ترمذی از ابی سعید خدری
از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که هفتاد و دو زن باشند هفتاد از خلقت بهشت و دو زن
از اهل دنیا ازین روایت تطبیق هر سه روایت گشته و در بعضی روایات عدد نساء بکثرت بسیار آمده
شاید آن باعتبار بعض اشخاص باشد لیکن در روایت دو زن از اهل دنیا شبهه پیش می آید که در حدیث صحیح است
که آنحضرت زنان را گفت اُرِیتُکُنَّ اَکثَرَ اَهلِ النّار یعنی نموده شدم من اکثر اهل دوزخ زنان را زنان گفتند
چرا یا رسول الله فرمود که شما بسیار لعنت میکنید و کفران نعمت شوهران مینمایید و نیز آنحضرت غرابها را
دیدند در آن غرابها یکی بود سفید باز و با سرخ منقار و سرخ پا فرمود از زنان داخل بهشت نشوند مگر مانند
این غراب از غرابها یعنی بسیار کم و ازین حدیث معلوم میشود که زنان در بهشت از مردان مضاعف باشند
توجیه چنان میتوان کرد که مراد از نفی دخول زنان در بهشت آن باشد که بدون تعذیب داخل بهشت نشوند لیکن
انجام شان به بهشت باشد و مراد اکثر اهل النار دخولاً لا خلوداً بدلیل آنکه علت دخول شان
در دوزخ کفر نمی فرموده بلکه اکثار لعن و کفران شوهر فرموده و محتمل که مراد آن باشد که هر کس را از امت محمدی

دو زن باشند گو از زنان اهم سابقه باشند یا طفل مرده باشند از اطفال مومنین یا اطفال کفار و وقت
دخول جنت جوان باشند و بنکاح مردان مکلف داده شوند لیکن زنان که در دنیا نماز و روزه کرده اند
از همه بهتر باشند زنان بهشت پاک باشند از حیض و بول و غایط و آب دهن و آب بینی و ولد و منی آنحضرت
صلی الله علیه وسلم فرمود که اگر زنی از زنان بهشت ظاهر شود ما بین آسمان و زمین روشن و خوشبو کند و روشنی
آفتاب را بپوشد و دامنی سر او از دنیا و ما فیها بهتر باشد و فرمود آنحضرت صلی الله علیه وسلم که در شب معراج
چون داخل بهشت شدم در موضعی که بیذح نام دارد در ان خیمه یاقوت و مروارید و زبرجد بود آواز زنان شنیدم
السلام علیک یا رسول الله پرسیدم یا جبرئیل اینچه آواز ست گفت این مَقْصُوْرَاتٌ فِی الْخِیَامِ
اند از حق تعالی اذن خواستند که بر تو سلام گویند اذن شد پس آنها گفتند ما زنانیم راضی گاهی ناخوشی
نکنیم و همیشه باشندگان گاهی سفر نکنیم طبرانی از ابی امامه روایت کرده که آنحضرت صلی الله علیه وسلم
فرموده که حوران بهشت از زعفران مخلوق باشند و ابن مبارک از زید بن اسلم آورده که پیدایش آنها
از مشک و زعفران و کافور باشد از خاک و طبرانی و بیهقی از ام سلمه روایت کرده که آنحضرت فرمود
صلی الله علیه وسلم که زنان دنیا از حوران بهشت در حسن افضل باشند مانند فضل ابره بر استر بسبب نماز و روزه حق تعالی
رویهای شان را نور بخشد و جسدهای شان را سفیدی و خوبی و مجامر شان از مروارید و شانهای شان از زر باشد ام سلمه
پرسید یا رسول الله زنی در دنیا دو شوهر کند یا سه یا چهار در بهشت کرا باشد فرمود که او را اختیار داده شود
پس اختیار کند نکوتر را در اخلاق و همچنین ام حبیبه روایت کرده و ابن سعد از ابی الدرداء روایت کرده که زن آخر
ازواج را باشد و ابن سعد از ابی بکر صدیق رضی الله عنه روایت کرده که اگر زنی را شوهر صالح
مرد و آن زن شوهر دیگر نکرد در بهشت با وی جمع شود حق تعالی میفرماید اِنَّا اَنْشَاْنٰهُنَّ اِنْشَآءً ۙ
فَجَعَلْنٰهُنَّ اَبْكَارًا ۙ عُرُبًا اَتْرَابًا یعنی حق تعالی زنان دنیا را چون در بهشت داخل خواهد کرد
باکره و عاشقه شوهر خود و همه زنان بیک عمر باشند و ترمذی و بیهقی از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که پیرزنان کور چشم و چرکین چشم را حق تعالی جوان ابکار سازد و نیز همچنین ام سلمه
روایت کرده و در دیگر احادیث آمده که اهل بهشت مرد و زن همه بیک عمر باشند سی و سه ساله

حق تعالی میفرماید حُورٌ عِینٌ یعنی سیاه چشم وکلان چشم كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ
یعنی مانند مروارید در صدف ومیفرماید خَيْرَاتٌ حِسَانٌ یعنی نیک خو وخوشرو ابن مبارک از
اوزاعی روایت کرده نیک خو باشند زبان دراز بیهوده گو نباشند رشک یکدیگر نکنند ایذا نپسندند
قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ یعنی چشم خود برازواج خود کوتاه دارند بسوی دیگری نه بینند وفرموده
كَوَاعِبَ أَتْرَابًا یعنی پستان نوخاسته هم سن ابن ابی الدنیا از انس از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم روایت کرده که حور بهشتی اگر در دریای شور آب دهن اندازد تمام دریا شیرین شود وبیهقی
از ابن عباس از آنحضرت روایت کرده که اهل بهشت را قوت جماع آنقدر باشد که در صبحگاه
با صد زن جماع کند وطبرانی از ابی امامه از آنحضرت روایت کرده که آلات مجامعت مانده نشود
وشهوت منقطع نگردد وبزار وغیره از ابی سعید از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که
اهل بهشت با زنان خود جماع کنند باز زن باکره شود ولیکن از جماع در جنت توالد نباشد واگر
کسی احیانا آرزوی ولد کند حمل وزادن وجوان شدن مولود در یک ساعت دست دهد کذا رواه الترمذی
والبیهقی وغیرهما عنه صلی الله علیه وسلم در حدیثی آمده که مردی با یکی از حورعین صحبت داشته باشد
ناگاه نوری از بالا ظاهر شود گمان برد که تجلی حق شده ظاهر شود که حوری ست بهتر از او ولی میگوید که ای
ولی خدا آیا مرا با تو نصیبی نیست چندی با وی صحبت دارد باز همچنین دیگری ظاهر شود بهتر از ثانیه
وهمچنین وهمچنین رسول فرمود صلی الله علیه وسلم هر که غصه فرو برد باوجود قدرت حق تعالی او را
بر سر خلائق طلب کند ومختار سازد در حوران هر کرا خواهد بگیرد وفرموده که سه چیز اند هر کسی را یکی از آن
باشد او را حورعین داده شود کسی که امانت مخفی بخوف خدا ادا کند وخیانت نکند وکسی که قاتل
خود را نه بخشد وکسیکه بعد هر نماز سورهٔ اخلاص خواند وفرموده مهر حوران قبضهای خرما وپارچهای
نان است یعنی آنچه بدرویشان بدهد وفرموده جاروب کشی مساجد مهر حوران است وفرموده که بهشت
زینت میگیرد از سالی تا سالی برای ماه رمضان وحوران زینت میگیرند از سالی تا سالی دیگر برای ماه رمضان
چون رمضان داخل شود بهشت گوید الهی بگردان درینماه از بندگان خود ساکنان درمن وحوران

گویند الهی نگه دار از بندگان خود برای ما شوهران که سرور شود چشم ما از ایشان و چشم ایشان از ما و فرمود
در بهشت حور باشند عینا هفتاد هزار غلام بر دست راست و همچنین بر دست چپ او راه روند
و بگویند کجا باشند امر کنندگان بمعروف و نهی کنندگان از منکر و فرمود که اگر زنی مردی را در دنیا ایذا کنند
زن او از حوران گوید ایذا مده این را که مهمان است نزد تو قریب است که از تو جدا شود و بسوی ما آید حوران بهشتی را گفته شود
که میخواهید که شوهر خود را ببینید گویند آری آنگاه پردها از میان برداشته شود او را ببینند و اشتیاق ملاقات نمایند

فصل از ابی هریره و ابن عمر و غیره مرویست که حوران بآواز خوش سرود کنند کسی نشنیده باشد
مثل آن به تسبیح و تقدیس و حمد و ثنای پروردگار و شکر او تعالی باین الفاظ نحن خیرات حسان
أُهْدِينَا لِأَزْوَاجٍ كِرَامٍ وَنَحْنُ الْخَالِدَاتُ فَلَا نَمُوتُ وَنَحْنُ الرَّاضِيَاتُ فَلَا نَسْخَطُ
وَنَحْنُ الْآمِنَاتُ فَلَا نَخَافُ وَنَحْنُ الْمُقِيمَاتُ فَلَا نَظْعَنُ و در حدیث است که اگر اهل بهشت رغبت سرود
کنند بادها را حکم شود که در شاخهای سبز درختان که از مروارید است در آیند و حرکت دهند بقسمی که آوازها
خوش سرایند و درختان را حکم شود که بندگان من که خود را در دنیا از معازف و مزامیر باز داشته بودند
آنها را بشنوانند پس آوازهای خوش از درختان به تسبیح و تقدیس بر آید و نیز ملایکه آوازهای خوش
به تسبیح و تقدیس گویند و گویند لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ و نیز در حدیث آمده که داود
علیه السلام را حکم شود آن حضرت بآواز خوش حمد خدا خواند و حکیم در نوادر الاصول از ابی موسی از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم آورده که فرموده که هر که در دنیا سرود بشنود او را اذن نشود که آواز روحانیان که اهل بهشت بشنود

فصل ظروف بهشت از زر و از نقره باشند شفاف مثل شیشه قوله تعالی كَانَتْ قَوَارِيرَا
قَوَارِيرَ مِنْ فِضَّةٍ همین معنی دارد ظرف زر و نقره در دنیا هر چند باریک باشد شفاف نباشد
هر کس را از اهل بهشت هفتاد ظرف از زر و نقره پیش آورده شود در هر یک رنگی از طعام باشد که در دیگر نباشد

فصل مردم که داخل بهشت شوند عداوت و تنهائی شان که در میان باشد دور شود و باهم دوست
و محب شوند ادنی اهل بهشت را هزار خادم باشد و در حدیثی پنج هزار آمده و در حدیثی ده هزار خادم از
ولدان مخلد یعنی امردان که همیشه امرد باشند در قرآن است که ملائکه در بهشت داخل شوند و بر مومنان سلام گویند

بهشت کذب و لغو و هزل و شتم و مانند آن نباشد مردی پرسید یا رسول الله در بهشت اسپ باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی
هرگاه سواری اسپ خواهی اسپی از یاقوت سرخ را سوار شوی او را پرها باشند بپرد با تو و هرجا که خواهی رساند دیگری گفت
یا رسول الله شتر باشد فرمود اگر داخل بهشت شوی هر چیز را که دل تو خواهد و چشم ترا لذت دهد مهیا باشد

فصل در بهشت بازار باشد که دران بیع و شرا نیست مگر صورتهای مردان و زنان دران باشند
هر صورت که کسی را خوش کند همدران صورت گردد طبرانی از ابی الدرداء از انحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده در جنت عدن سوای انبیا و شهدا و صدیقان کسی نباشد و باشد دران انچه در خطره کسی
هم نگذشته باشد فقیر گوید که شاید مراد ازین حدیث آن باشد که دران رویت حق تعالی دائمی باشد مسلم
از انس از انحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که در بهشت بازار باشد دران تودهای مشک باشند
روز جمعه مردم درانجا روند باد شمالی برانها وزد مشک بر روهای و پارچهای شان افشاند حسن و جمال زیاده
شود چون نزد اهل خود روند آنها گویند والله شما حسن و جمال زیاده گردید در احادیث آمده که طیور در بهشت
مثل شتر بختی باشند چون شخصی قصد خوردن آن کند بر خوان او پیش آید و ازان هر لذت خورد باز
پرندها پر برود و پرد در بهشت با هم ملاقاتها کنند بر شترها سوار شده و بر اسپان که نه بول کنند و نه سرگین
و ابن ابی الدنیا از علی رضی الله عنه روایت کرده که رسول صلی الله علیه وسلم فرمود که در بهشت درختی
باشد که از بالای آن حلها و از زیر آن اسپان ابلق از زر که زینهای شان و باگهای شان از مروارید
و یاقوت باشند و آنها را پر باشند و آنها قدم نهند جائیکه بصر رسد اولیاء الله بران سوار شوند و بگردند
دیگر مردم که در مرتبه پست باشند بگویند یا الهی اینها کیستند که نور شان نورهای ما را فرو نشانده فرماید
که اینها در راه خدا انفاق میکردند و شما بخل میکردید و اینها جهاد میکردند و شما می نشستید بیهقی از مجاهد
و ابی سلیمان در تفسیر قوله تعالی وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا گفت که مراد از ملک کبیر
آنست که فرستاده رب العزت تحفها و لطفها بروی آرد و بوی نرسد تا که اذن دخول طلب کند از حاجب
و آن حاجب از حاجب دیگر و همچنین پس اذن دهد ولی الله بدخول و هرگاه آن ولی خواهد باذن پروردگار خود مشرف شود
فقیر گوید این ازانجاست که حق تعالی اقرب است از حبل الورید و حجب غفلت در میان نیست که حضور دائمی دارد

ص هرگاه نظر کنی درانجا ببینی نعیمها و ملک کلان ۱۲۱

فصل ترمذی و حاکم از بریده روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که اهل بهشت
یکصد و بیست صف باشند از انجمله هشتاد صف از امت من و چهل از دیگر امم دیلمی و ابن عساکر
از جابر روایت کرده که مومنان هر جمعه زیارت حق تعالی کنند حق تعالی بفرماید که بخواهید از من
هرچه خواهید مردم بعلما رجوع کنند که چه چیز درخواست کنیم علما وجوه سوال آموزند پس مردم بعلما
در بهشت هم محتاج باشند طبرانی و بیهقی و ترمذی از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده
که اهل بهشت بر هیچ چیز حسرت نکنند مگر بر ساعتی که در دنیا در ان ذکر خدا نکرده باشند ابن عساکر از
امیر المومنین علی رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت کرده که بوی بهشت بر هزار ساله راه
میرسد و بوی بهشت عقوق کننده والدین را و قاطع رحم را و پیر زانی را و کسیکه از تکبر دامن دراز کند نرسد
فصل اهل بهشت در بهشت با برادران و یاران و دوستان ملاقاتها کنند و ماجراهای دنیا یاد کنند
بزار و بیهقی و غیرهما از انس روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که چون بهشتیان
داخل بهشت شوند اشتیاق برادران کنند پس تخت یکی مقابل تخت دیگری آید و باهم حرف گویند
انچه در دنیا گذشته بود و اهل بهشت دوزخیان را هم بینند و هرگاه بهشتیان خواهند با پیغمبران
و اصحاب درجات عالی ملاقات نمایند طبرانی و ابو نعیم وغیره از عائشه رضی روایت کرده که مردی نزد
پیغمبر صلی الله علیه وسلم آمد و گفت یا رسول الله من ترا از جان خود و اهل و ولد خود دوست تر میدارم
و چون بخانه میروم بی تو صبر نمیتوانم کرد تا که بخدمت می آیم لیکن چون مردن خود و مردن ترا خیال میکنم
می ترسم که تو در بهشت در مقام پیغمبران باشی و من اگر به بهشت رسم ترا نبینم آنحضرت جواب نداد
تا که جبرئیل نازل شد و این آیت آورد وَمَن يُطِعِ اللّٰهَ وَالرَّسُولَ فَاُولٰٓئِكَ مَعَ الَّذِيْنَ
اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِّنَ النَّبِيّٖنَ وَالصِّدِّيْقِيْنَ الاية احمد و طبرانی از ابی هریره و معاذ
بن جبل رضی الله عنهما از آنحضرت صلی الله علیه وسلم آورده که هرکه در بهشت شود یعنی در دنیا صغیر باشد
یا کبیر همه شان اجرد باشند یعنی بر تمام بدن شان موی نباشد و امرد باشند بی ریش و بعمر
سی و سه سال باشند یکسان نه کم نه زیاده و در چشم سرمه کشیده ابن ابی الدنیا از ابن عباس اورده.

کر و در بهشت موسی علیه السلام را ریش باشد تا سینه دیگری را نباشد و از کعب احبار مرویست
که آدم علیه السلام را ریش سیاه تا ناف باشد دیگری را نباشد شاید که هر دو را باشد نه غیر آنها را
و ابن عدی از علی و جابر رضی الله عنهما روایت کرده که آنحضرت فرمود صلی الله علیه وسلم که جمیع اهل بهشت
بنامهای شان گفته شوند مگر آدم علیه السلام را ابو محمد ابواحمد گفته شود صلی الله علیه وسلم و طبرانی
از ابن عباس آورده که زبان اهل بهشت عربی باشد و قرطبی گفته که چون مردم از قبور برآیند زبان سریانی
باشد و در بهشت زبان عربی باشد و در صحیحین از عمران بن حصین از آنحضرت صلی الله علیه وسلم
روایت کرده که دیدم اکثر اهل جنت فقرا و اکثر اهل جهنم زنان و بزار از انس از آنحضرت صلی الله علیه
وسلم روایت کرده که اکثر اهل بهشت ابله باشند یعنی غافل از امور دنیا و آگاه از امور آخرت
و ذهبی گفته یعنی سینه صاف و خوش گمان و ازهری گفته غافل از شر و مسلم از ابی هریره از آنحضرت
صلی الله علیه وسلم روایت کرده که داخل بهشت شوند جماعتها که دلهای شان مثل دلهای پرندگان
باشد یعنی خائف و گریزان از اختلاط عوام و در صحیحین از ابی سعید خدری از آنحضرت صلی الله
علیه وسلم مرویست که حق تعالی اهل بهشت را گوید که شما راضی شدید گویند چرا راضی نشویم که ما را نعمتها
دادی که کسی را از مخلوقات ندادی حق تعالی بفرماید آیا ندادهام شما را آنچه ازین همه افضل ست گویند
ازین افضل چه باشد فرماید که از شما راضی شدهام که گاهی ناراض نشوم

فصل بزرگترین نعمتهای بهشت دیدار خداست جل و علا روافض و خوارج و معتزله ازان انکار
دارند اهل سنت و جماعت بدان معتقد شده اند حق تعالی میفرماید وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاضِرَةٌ إِلَى
رَبِّهَا نَاظِرَةٌ و میفرماید لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَى وَزِيَادَةٌ مراد از حسنی بهشت ست و از
زیاده دیدار حق تعالی تفسیر این آیت یعنی از هر چهار خلفای راشدین و ابی بن کعب و کعب بن عجره
و ابن مردویه و انس و ابوهریره و ابو موسی اشعری و ابن عباس و ابن مسعود و غیره مرویست و رسول
صلی الله علیه وسلم فرمودست که خواهید دید پروردگار خود را روز قیامت چنانچه می بینید ماه را
در شب چهاردهم در حالیکه هیچ حجاب درمیان نباشد و یحیی بن سعید گفته که در رؤیت حق تعالی

یعنی روها درین روز تازه باشند و بسوی پروردگار خود نگرنده
آنان را که نیکی کردند حالت نیکی باشد و زیاده بران ۱۲

هفته حدیث صحیح وارد شده و اجماع امت بران منعقد گشته انکار آن کفر است ذکر احادیث رویت
بسیار طول دارد وقتیکه بدولت دیدار مشرف شوند جمیع نعمتهای بهشت از نظر ساقط گردد از بعض احادیث
مرویست که آنچه در دنیا روز عید باشد مردم برآیند بچمنهای بهشت و خدا را ببینند یعنی در سالی
یکدو بار و در بعضی احادیث آمده که در هفته یکبار و شاید در حدیث سابق هم مراد از روز عید روز جمعه باشد
و در بعضی احادیث آمده در هر پنجروز یکبار و بیهقی از انس روایت کرده که بهترین اهل بهشت کسی باشد
که هر صبح و شام ببیند و ابو نعیم از ابی یزید بسطامی رضی الله عنه روایت کرده که بندگان خاص حق تعالی
چنان باشند که اگر یک آن از رویت محجوب شوند فریاد کنند چنانچه دوزخیان برای خروج از دوزخ فریاد کنند
فائده از امیر المومنین علی رضی الله عنه مرویست که در تفسیر قوله تعالی فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ
رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا فرمود
هر که خواهد خدا را ببیند باید که عمل صالح کند و کسی را بران آگاه نسازد و خبر نکند
فصل بعضی علما گفته اند که رویت حق تعالی مخصوص بشر است ملائکه را نخواهد شد لیکن بیهقی ملائکه
را هم رویت اثبات کرده از عمرو بن عاص روایت کرده که حق تعالی ملائکه را پیدا کرده چندین صنف
همه شان همیشه در عبادت قائمند تا روز قیامت چون روز قیامت شود برانها حق تعالی تجلی کند پس
ببینند حق تعالی را و بگویند مَا عَبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ و نیز از عدی از اصحاب آنحضرت
صلی الله علیه و سلم روایت کرده که فرمود که حق تعالی را فرشتگان اند که از خوف خدا می لرزد شانهای
شان نیست از انها فرشته که میریزد قطره آب از چشم مگر از ان قطره فرشته می آید که تسبیح میکند جماعتی
از فرشتگان از روزیکه پیدا شده اند در سجود اند سر از سجود بر ندارند تا روز قیامت و بعضی صنف
استاده اند از ان حرکت نکرده تا روز قیامت چون روز قیامت شود حق تعالی تجلی کند و خدا را ببینند
گویند سُبْحَانَكَ مَا عَبَدْنَاكَ كَمَا يَنْبَغِي یعنی پاکیست مر ترا عبادت نکردیم ترا چنانچه شاید
فصل کفار از جن و انس در دوزخ باشند باتفاق و در مومنان از جن علما را اختلاف است بعضی گویند
ایشان را دخول بهشت نیست معدوم شوند چنانچه ابو الشیخ از انس بن سلیم آورده که گفت مسلمانان

پس کسی که امیدوار ملاقات پروردگار خود را باید که بکند کار نیک و شریک نکند در عبادت

جن نه داخل بهشت شوند و نه داخل دوزخ و همچنین از ابی حنیفه نقل میکنند لیکن حق آنست که مومنان جن را ثواب
و کافران را عذاب خواهد شد قال الله تعالی خطابا للثقلین وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ
رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ وقال لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ وقال الله تعالی حکایة عن کلام
الجن وَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا
و بیهقی از انس از النبی صلی الله علیه وسلم روایت کرده که مومنان جن را ثواب باشد و بر ایشان عقاب باشد
پس سوال کردیم از ثواب آنها فرمود بر اعراف باشند در بهشت با امت محمد صلی الله علیه وسلم نباشند
پرسیدیم که اعراف چیست فرمود جای است بیرون بهشت دران نهرها جاری اند و درختها و ثمرها و از ابن
وهب مروی ست که پرسیده شد که جن را ثواب باشد گفت آری حق تعالی میفرماید أُولَٰئِكَ الَّذِينَ
حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ وَلِكُلٍّ
دَرَجَاتٌ مِمَّا عَمِلُوا و بیهقی از ابن عباس روایت کرده که خلق چهار قسم اند یک خلق تمام در بهشت باشند
و آن ملائکه و یکی تمام در دوزخ و آن شیاطین اند دو خلق بعضی در بهشت و بعضی در دوزخ و آن جن و انس
و حمزه بن حبیب گفته جن داخل بهشت شوند برای جن جنیات باشند و برای انس انسیات

الحمد لله رب العالمین خالق الجنة والنار
والصلوة والسلام علی محمد النبی
المختار قسیم الجنة والنار
علی آله واصحابه الابرار
الاخیار
۵

تمت

خاتمة الطبع پس از سپاس آفریننده مبدء و معاد و بهشت و دوزخ جزا دهنده عباد و درود سید رسل شافع کل در مقام محمود و برآرندهٔ عاصیان از میان آتش و دود و خوشنودی اهل بیت و اصحاب صاحبان میزان گرانی از بالای پل چون برق گذرانیده نموده می آید که چنانچه تذکرهٔ احوال موتی و بیان شدائد قبور باعث اقدام بر طاعت و اعراض از فجور است همچنین تذکرهٔ احوال آخرت و معاد و امید و بیم ثواب و عقاب یوم التناد علت گزاشتن موجبات وقوع در نیران و طلب کردن اسباب دخول در جنان است نظر بوجه همین پیشتر از این رسالهٔ متبرکهٔ **تذکرة الموتی والقبور** بطبع در آمده جلوه فرمای جهان گردیده اکنون نظر بوجه همین و بر حسب ایفای وعدهٔ سابقه که در خاتمه رسالهٔ موصوفه مطبوعه پیرایهٔ تحریر پوشیده بود کتاب هدایت نصاب **تذکرة المعاد** از افادات جناب علم الهدی علامة الوری مولانا قاضی **محمد ثناء الله** صاحب قدس سره به تصحیح تمام و تنقیح مالا کلام و ترجمهٔ عبارات عربیه و ثبت حواشی ضروریه باهتمام امیدوار افضال یزدان **محمد عبد الرحمن بن حاجی محمد روشن خان** مغفور در مطبع نظامی واقع کانپور بماه جمادی الاخری سنه ۱۲۸۰ هجری پیرایهٔ طبع در برکشیده رغبت افزای دینداران بطاعت و اعراض فرمای گنهگاران از معصیت گشت هرگاه اهل نظر چشم بصیرت بر این شاهد زیبا بگشایند و دیدهٔ دل را بدیدارش نور و سرور افزایند احقر را در وقت خاص بیاد آورده بدعای حسن خاتمه ممنون فرمایند چون طبع خاکسار بطبع مصنفات جناب قاضی صاحب قدس سره رغبتی تمام دارد خصوصاً تفسیر مظهری که همگی همت و جملگی نهمت خواهان طبعش می باشد فاما سرمایهٔ حصول این مامول دست نمی دهد اگر بزرگان توجه دلی را در دعا کار فرمایند همانا افضال ایزدی اسباب طبعش را ارزانی فرموده آن مخدرهٔ رعنا را از مستورهٔ قلت بر منصهٔ کثرت بجلوه گری نشانند و دیدهٔ آرزومندان دیدارش را نور آگین و مسرت آما گرداند

آمین رب العالمین والصلوة والسلام علی رسوله محمد و آله و اصحابه و ازواجه اجمعین

وجه ختم بر خاتمه برای سند این معنی که این کتاب مطبوع مطبع نظامیست مهر و دستخط مهتمم نموده شد

محمد روشن خان حنفی
محمد عبد الرحمن بن حاجی

العبد
عبد الرحمن

۱۲۸۱